

جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان قزوین

گزارش تحلیلی – سیاستی :

ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری اقتصادی استان‌های کشور در محور بازار کار و اشتغال

معاونت اقتصادی

آبان ماه ۱۴۰۵

شناسه گزارش

عنوان گزارش	ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب آوری اقتصادی استان های کشور در محور بازار کار و اشتغال
مدیرکل	امیر خلیلی خواه
معاون اقتصادی	فهیمه لزگی
تهیه شده	معاونت اقتصادی / گروه مطالعه وضعیت بخشهای اقتصادی
تهیه و تنظیم	فاطمه همتی، سیده زهرا حسینی
تاریخ	آبان ماه ۱۴۰۵
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان قزوین نمی باشد.	

اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان قزوین

وب سایت: qa.mefa.ir

آدرس: قزوین، خیابان نواب شمالی، مجتمع ادارات، جنب دیوان محاسبات، اداره کل امور اقتصادی و دارایی

تلفن: ۰۲۸۳۳۳۷۶۴۰۱

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

چکیده ۱

۱.مقدمه و ضرورت انجام پژوهش ۲

۱-۱. اهداف پژوهش ۴

۱-۲. روش پژوهش ۴

۲. شاخص‌های سنجش تاب‌آوری اقتصادی در حوزه بازار کار در سطح مقایسه‌ای بین استان‌ها ۵

۳. شاخص‌های پژوهش حاضر برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی در حوزه بازار کار ۶

۳-۱. تلفیق متغیرهای مختلف با واحدهای اندازه‌گیری متفاوت ۷

۳-۲. بررسی شاخص های بازار کار در استان‌ها ۸

۴. فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) ۱۸

۵. محاسبه وزن هر یک از مؤلفه‌های پژوهش با اجرای تکنیک AHP ۲۲

۶. تفسیر نتایج ۲۴

۶-۱. امتیاز استان‌ها در شاخص تاب‌آوری بازار کار و اشتغال ۲۴

۶-۲. تحلیل استان‌های دارای تاب‌آوری بالای بازار کار ۳۴

۶-۳. تحلیل استان‌های دارای تاب‌آوری پایین بازار کار ۳۵

۷. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادهای سیاستی ۳۷

پیوست ۱. آمار و داده‌های پژوهش ۴۱

منابع و مأخذ ۴۵

فهرست جداول و نمودارها

جدول (۱). محورهای مؤثر در محور بازار کار، اشتغال و بهره‌وری ۵

جدول (۲). نماگرهای بازار نیروی کار در شاخص تاب‌آوری اقتصادی جامعه ۶

جدول (۳). معرفی مؤلفه‌های شاخص تاب‌آوری اقتصادی بازار کار ۶

جدول (۴). شاخص‌های با اثر منفی ۹

جدول (۵). شاخص‌های با اثر مثبت ۹

جدول (۶). تحلیل ترکیب اشتغال در بخش‌های اقتصادی ۹

جدول (۷). شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی ۲۱

جدول (۸). ماتریس ارجیت نسبی مؤلفه‌ها ۲۲

جدول (۹). وزن نهایی شاخص‌ها و کنترل سازگاری ۲۳

جدول(۱۰). رتبه بندی استان‌ها در شاخص تاب آوری به همراه نقاط ضعف و پیشنهادهای سیاستی به تفکیک هر استان ۲۵

جدول (۱۱). آمار و داده‌های پژوهش (مقطع زمانی: سال ۱۴۰۴) ۴۱

جدول (۱۲). امتیازات نرمال شده استان‌ها در مؤلفه‌های تاب‌آوری بازار کار و اشتغال در مقطع زمانی سال ۱۴۰۴ (طیف امتیازات ۱-۰) ۴۳

نمودار (۱). مقایسه نرخ بیکاری در بین استان‌ها در سال ۱۴۰۴ ..... ۱۰
نمودار (۲) نرخ بیکاری بین ۱۸ تا ۳۵ سال استان‌ها ۱۱
نمودار (۳). مقایسه سهم اشتغال ناقص زمانی در بین استان‌ها در سال ۱۴۰۴ ..... ۱۲
نمودار (۴). مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار در بین استان‌ها در سال ۱۴۰۴ ..... ۱۳
نمودار (۵). نسبت اشتغال در استان‌ها ۱۴
نمودار (۶). اشتغال بخش خصوصی در استان‌ها ۱۵
نمودار (۷). اشتغال بخش کشاورزی استان‌ها ۱۶
نمودار (۸). اشتغال بخش صنعت استان‌ها ۱۷
نمودار (۹). اشتغال بخش خدمات استان‌ها ۱۸

تصویر (۱). اطلس شاخص تاب‌آوری بازار کار در بین استان‌های ایران ۲۵

چکیده

آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها در اثر وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی و همچنین وجود تحریم‌های اقتصادی، موجب شده که صاحب‌نظران و سیاستمداران به بحث افزایش مقاومت، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اقتصاد در برابر تکانه‌های علاقمند شوند. یکی از اهداف تحریم‌های اقتصادی که از آن به عنوان یک تکانه بیرونی یاد می‌شود، بیکاری نیروی کار جوان است. الزامات قانونی در داخل کشور وجود دارد که بر اساس آن استان‌ها مکلف به افزایش توانمندی و بهبود وضعیت خود در محور بازار کار، اشتغال و بهره‌وری هستند.. پژوهش حاضر نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی که می‌توان با کمک آن‌ها وضعیت تاب‌آوری اقتصادی بازار کار استان‌های ایران را سنجید شامل نرخ بیکاری، نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال، نرخ اشتغال ناقص زمانی، نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال، سهم اشتغال بخش خصوص و تنوع ساختار اشتغال (سهم اشتغال در بخش‌های اقتصادی) می‌باشند. بدین منظور با استفاده از تکنیک فاصله تا استان پیشرو شاخص ترکیبی برای ارزیابی استان‌های ایران از منظر شاخص تاب‌آوری اقتصادی بازار کار طراحی و برای مقطع زمانی ۱۴۰۴ محاسبه شد.

وزن‌های حاصل از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد که «سهم اشتغال بخش خصوصی» با وزن ۰/۲۱۶ بالاترین اهمیت را در شاخص نهایی داشته است. پس از آن، «نرخ مشارکت اقتصادی» با وزن ۰/۱۷۰، «تنوع ساختار اشتغال» با وزن ۰/۱۶۵، «نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال» با وزن ۰/۱۵۳ و «نسبت اشتغال» با وزن ۰/۱۵۲ قرار گرفته‌اند. نتایج محاسبه شاخص ترکیبی تاب‌آوری بازار کار و اشتغال در سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که وضعیت بازار کار استان‌های کشور از منظر ظرفیت مواجهه با عدم‌تعادل‌ها و آسیب‌پذیری‌های بازار کار، از ناهمگونی قابل‌توجهی برخوردار است. دامنه امتیاز شاخص از ۰/۲۶۳ در استان ایلام تا ۰/۸۵۷ در استان زنجان متغیر است. بر اساس طبقه‌بندی انجام‌شده، استان‌های زنجان، قزوین، در طبقه تاب‌آوری خیلی بالا قرار می‌گیرند، از سوی دیگر سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام در گروه استان‌های با تاب‌آوری پایین قرار گرفته‌اند. این پراکندگی نشان می‌دهد که شرایط بازار کار در سطح منطقه‌ای یکسان نیست و سیاست‌های اشتغال و بازار کار نمی‌تواند صرفاً بر مبنای یک الگوی واحد برای تمامی استان‌ها طراحی شود.

واژگان کلیدی: آسیب‌پذیری، تاب‌آوری اقتصادی، تکنیک فاصله از مرجع، رقابت‌پذیری.

طبقه‌بندی JEL: C43, C62, G01, E22.

۱. مقدمه و ضرورت انجام پژوهش

تحریم‌ها از زمان یونانیان قدیم وجود داشته است. این تأکید بر بنیان‌های تاریخی ابزار تحریم، می‌خواهد نشان دهد اگرچه تحریم‌ها امروزه اشکال مختلفی به خود گرفته‌اند، اما پیوستار تفکر سیاست خارجی در این مورد همیشه وجود داشته است. اگرچه قبل از سال‌های سده ۱۹۰۰ مثال‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تحریم‌ها به خودی خود به عنوان یک ابزار مفید برای تهدید و تنبیه به کار گرفته می‌شده‌اند تا از یک درگیری بزرگ‌تر جلوگیری شود و از طریق آن به یک پیروزی دیپلماتیک رسید. اما این عملاً در سال‌های سده ۱۹۰۰ بود که تحریم‌ها گسترده‌تر شدند و با بسامد بیشتر، خود به عنوان یک ابزار سیاست خارجی مستقل به کار گرفته شدند. در این زمان استراتژیست‌ها به دنبال راه‌های جدیدتری بودند تا بتوانند اراده خود را بر رقبا و حریفان دیکته کنند که در این بین قدرت اقتصادی جاده تجربه نشده‌ای بود. بنابراین چه بخواهیم یا نخواهیم تحریم‌ها به ابزاری محبوب در سیاست خارجی ایالت متحده آمریکا تبدیل شده و می‌تواند در آینده برای سایر قدرت‌های جهانی نیز به ابزاری مطلوب تبدیل شود. (نفیو، ۱۳۹۷)

ریچارد نفیو در کتاب «هنر تحریم‌ها نگاهی از درون میدان» چنین بیان می‌نماید که؛ «تحریم‌گذاری به عنوان ابزار استراتژیک در دستگاه سیاست خارجی ایالت متحده، نه امری صرفاً فنی، بلکه بیشتر هنر تصمیم‌گیری و به کار گرفتن خلاقانه ابزارهای مختلف اقتصادی اجتماعی و سیاسی در این مورد است. به عنوان مثال نفیو نشان می‌دهد که چگونه در عین تحریم اقلام مختلف، واردات کالاهای لوکس را از تحریم مستثنا کرده تا به احساس اجتماعی تحریم‌شدگی بیشتر دامن بزند، یا مثلاً چگونه افزایش قیمت مرغ در ایران موضوعی که هدف تحریم نبوده، به افزایش فشار تحریم‌ها کمک کرده است یا مثلاً چطور واردات برخی اقلام را منع نکرده تا ذخیره ارزی ایران با سرعت بیشتر و زودتر تحلیل برود و ...».

با توجه به آنچه که بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً تحریم‌گذار، تحریم را به عنوان ابزار اصلی و ثابت در جعبه ابزار تعامل خود با کشورهای دیگر می‌داند و این امر با اقدامات مقطعی قابل رفع نیست، چنان که در مواعد و زمینه‌های مختلف، قابل استفاده مجدد است و ثانیاً و مهم‌تر از آن اینکه: آنچه سرنوشت جنگ تحریمی را مشخص خواهد کرد، «هنر استقامت» در ابعاد مختلف آن است.

نفیو همچنین در کتاب خود بیان می‌دارد هدف اصلی تحریم‌های اقتصادی افزایش شمار بیکاران در بین جوانان است، چرا که شهروندانی که شغل دارند خوشحال‌تر هستند، از دولت خود رضایت بیشتری دارند و کمتر علیه آن خیزش می‌کنند. از این سو است که همه دولت‌ها ترجیح می‌دهند اشتغال گسترده ایجاد کنند تا با بیکاری گسترده دست به گریبان نشوند.

از سوی دیگر کار کردن طبیعی‌ترین چیز دنیاست و بزرگترین محرومیتی که هر کس ممکن است از آن رنج ببرد بی‌بهره بودن از امکان اداره‌ی زندگی و تأمین وسیله‌ی معیشت خویش است. هیچ تضادی بین رشد و اشتغال وجود ندارد. هیچ یک از کشورهای توسعه‌یافته نمی‌توانست بدون فراهم آوردن فرصت کار برای مردم به توسعه نائل آید.

آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها در اثر وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی نیز موجب شده که صاحب‌نظران و سیاستمداران به بحث افزایش مقاومت، انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اقتصاد[1]در برابر تکانه‌ها علاقمند شوند و مطالعات گسترده‌ای طی سال‌های اخیر به ویژه بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ در محافل علمی مطرح شده است (استیگلیتز، ۲۰۱۰). اقتصاد ایران نیز بعد از تحریم‌های بین‌المللی به دنبال افزایش مقاومت اقتصادی بوده و در این راستا، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ ابلاغ گردید.

مرور متون اقتصادی و تجربیات جهانی نشان می‌دهد که ادبیات تاب‌آوری مصطلح بوده و عمدتاً به مفهوم اتخاذ تدابیری به منظور حفظ عملکرد یک سیستم به هنگام مواجهه با مخاطرات، تهدیدها و تنش‌ها است (استفان، ۲۰۱۴) که در حوزه‌های علوم طبیعی، روانشناسی و مهندسی و نیز مدیریت بحران‌های شهری و سازمانی بحث کاملاً شناخته شده‌ای می‌باشد، ولی موضوع تاب‌آوری اقتصاد ملی در سال‌های اخیر به ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸ مورد توجه نخبگان این حوزه قرار گرفته است که قرابت نزدیکی با مفهوم اقتصاد مقاومتی مطروحه در اقتصاد ایران دارد. (شقاقی، ۱۳۹۶)

همان‌طور که در شهرسازی برای مقابله با زلزله که زمان وقوع و ابعاد آن مشخص نیست، تأسیسات و امکانات شهری را در برابر آن مقاوم (تاب‌آور) می‌سازند و به گونه‌ای تأسیسات شهری و خدمات آن طراحی می‌شود که در صورت وقوع زلزله کمترین آسیب به شهر وارد شده و شهر بتواند به کارکرد خود ادامه دهد، در موضوع تاب‌آوری ملی نیز، زیرسیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، حکمرانی، فناوری و زیست‌محیطی و جز این‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند مخاطرات درونی و بیرونی را جذب کرده و خود را با محیط بسیار متحول با حفظ ثبات و کارکردهای سیستم، انطباق دهند. به عبارت دیگر تاب‌آوری به معنی توانایی مقابله با شوک‌ها و انعطاف‌پذیری مطرح است و به دنبال مخاطراتی که بسیاری از کشورها را مورد تهدید قرار داده و آن‌ها را از مسیر رشد خود منحرف کرده یا دستاوردهای توسعه‌شان را نابود ساخته، مورد اقبال مجامع بین‌المللی و دولت‌ها قرار گرفته است (غیاثوند و عبدالشاه، ۱۳۹۴ الف).

تاب‌آوری به عنوان مفهوم کلیدی که روز به روز بر فراگیر شدن آن افزوده می‌شود، نیاز به تجزیه و تحلیل از ابعاد مختلف دارد، برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی کشورها نیز تاکنون شاخص‌های مختلفی در سطح جهان مطرح شده است آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم سنجش وضعیت تاب‌آوری استان‌های ایران از منظر شاخص‌های بازار کار می‌باشد. زندگی، کار و سعادت همه‌ی اجتماعات بر پاره‌ای «ساخت‌های روانی» مبتنی است که بی‌نهایت گرانبها و بسیار آسیب‌پذیرند. همبستگی اجتماعی، تعاون، احترام متقابل و بالاتر از همه حرمت خویش داشتن، شجاعت در برابر مخالفت و توانایی تحمل دشواری‌ها- اینهمه و هر آنچه که از آن به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود و بسیاری از صفات دیگر وقتی که آن «ساخت‌های روانی» به سختی آسیب‌پذیرد، از هم گسسته و ناپدید می‌شوند. آدمی چنانچه در

[1] Resilience

درون احساس بیهودگی کند در هم فرو خواهد شکست. هیچ میزان از رشد اقتصادی نمی‌تواند جبران چنین خسارتی باشد و شاید این گفته اصلاً مورد نداشته باشد چرا که رشد اقتصادی عموماً بر اثر نبود آن هنجارها از حرکت باز خواهد ایستاد (شوماخر، ۱۳۹۰).

وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز به دلیل مسئولیت‌های قانونی در حوزه سیاستهای اقتصادی، رشد اقتصادی، تأمین مالی تولید، سرمایه گذاری، بهبود محیط کسب و کار و حمایت از توسعه بخش خصوصی در شکل گیری ظرفیت ایجاد و حفظ اشتغال و تاب‌آوری بازار کار نقش دارد. از این رو شاخص‌سازی و رصد شاخص‌ها یکی از مهمترین مراحل سیاست‌گذاری می‌باشد که بدون آن نمی‌توان ارزیابی صحیحی از سیاست‌ها داشت و میزان تحقق و عدم تحقق هر یک از سیاست‌ها را بررسی کرد (روحانی، ۱۳۹۳). بنابراین سنجش وضعیت تاب‌آوری بازار کار، اشتغال و بهره‌وری در بین استان‌های کشور امری ضروری خواهد بود، که سیاست‌گذار را در اتخاذ تدابیر لازم برای مقابله با بحران‌های پیش‌روی بازار کار و جلوگیری از حجم انباشته نرخ بیکاران در استان‌ها، هدایت خواهد نمود.

۱-۱. اهداف پژوهش

- شناسایی شاخص‌های حوزه بازار کار که با تاب‌آوری اقتصادی مرتبط می‌باشد.
- طراحی شاخصی ترکیبی برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی از منظر بازار کار
- بررسی وضعیت اقتصاد استان‌های کشور و رتبه‌بندی استان‌ها بر مبنای شاخص طراحی شده در مقطع زمانی سال ۱۴۰۴

۱-۲. روش پژوهش

۱-جمع آوری و گزینش شاخص های بازارکار منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران

۲-نرمال‌سازی[۲] داده‌ها

نرمال‌سازی قبل از هرگونه تجمیع داده‌ها جهت ایجاد یک نماگر روی مجموع داده‌ها که واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی دارند، مورد نیاز است. تعدادی از روش‌های نرمال‌سازی عبارتند از : ۱.رتبه‌بندی[۳] ۲. استانداردسازی (z-scores)؛ ۳. روش حداقل-حداکثر Min-Max؛ ۴. روش مقیاس‌گذاری طبقه‌ای[۴] ۵. روش فاصله از یک مرجع.[۵]

مبنای نرمال‌سازی برای ساخت شاخص ترکیبی در این مقاله، روش فاصله از مرجع (استان پیشرو) می‌باشد.

۳-توزیع پرسشنامه خبرگان جهت اولویت‌گذاری شاخص ها بر اساس فرایند سلسه مراتبی (AHP)

۴- وزن‌دهی و تجمیع‌سازی[۶]

---

[۲] Normalization
[۳] Ranking of indicators across countries
[۴] Categorical scales
[۵] Distance to a reference country
[۶] Missing data

در تهیه شاخص‌های ترکیبی گاهی اوقات لازم است تا وزن و درجه‌ای از اهمیت برای هر یک از نماگرها و شاخص‌های انفرادی در ایجاد شاخص ترکیبی محاسبه شود. برخی از انواع معروف این روش‌های وزن‌دهی عبارتند از: فرایند سلسه مراتبی (AHP)، تحلیل عامل[۷] (FA)، روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA[۸])، مراجعه به افکار عمومی (خرد جمعی) و تحلیل توأم (CA[۹]).

۵- نمایش و انتشار[۱۰]

نمایش نماگرهای ترکیبی و جزئیات آن به روش‌های مختلف نظیر نمودار، جدول، تار عنکبوتی و ... .

۲. شاخص‌های سنجش تاب‌آوری اقتصادی در حوزه بازار کار در سطح مقایسه‌ای بین استان‌ها

شقاقی شهری در مقاله «ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری اقتصادی با رقبای منطقه» ۶ محور اصلی را برای ساخت شاخص ترکیبی تاب‌آوری اقتصادی در نظر گرفته است که عبارتند از: ۱. تولید و رفاه جامعه، ۲. سیاست‌های پولی، شاخص‌های توسعه مالی و قیمت‌ها، ۳. بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، ۴. عدالت، فقر زدایی و به دور از فساد، ۵. جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای جهانی و تجارت خارجی، ۶. دولت، اندازه و ساختارهای اقتصادی دولت.

وی در قالب پرسشنامه و اخذ نظرات از ۳۰ صاحب‌نظر مسائل اقتصادی در حوزه ریسک و اقتصاد مقاومتی، به سنجش ضریب اهمیت و وزن‌های نرمال شده‌ی محورها با مقیاس طیف لیکرت و با استفاده از روش تحلیلی سلسله مراتبی پرداخته است.

بخشی از محورهای فرعی مهم در هر یک از محورهای اصلی به دلیل عدم وجود اطلاعات حذف شدند، در محور سوم یعنی بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، محورهای فرعی مؤثر به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول (۱). محورهای مؤثر در محور بازار کار، اشتغال و بهره‌وری

ردیف	اوزان	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	۰,۲۰۷	منفی	نرخ بیکاری
۲	۰,۱۵۵	مثبت	بهره‌وری نیروی کار (GDP به ازای هر شاغل)
۳	۰,۱۱۳	مثبت	رشد بهره‌وری نیروی کار (نرخ رشد GDP به ازای هر شاغل)
۴	۰,۱۳۱	مثبت	شاخص بهره‌وری نیروی کار
۵	۰,۱۵	مثبت	نرخ مشارکت نیروی کار (به عنوان درصدی از افراد ۱۵ سال به بالا)
۶	۰,۱۴۲	مثبت	بهره‌وری سرمایه
۷	۰,۱۰۲	مثبت	رشد بهره‌وری سرمایه

مأخذ: شقاقی شهری، ۱۳۹۶

۷. Factor analysis
۸. Data envelopment analysis
۹. Conjoint analysis
۱۰. Presentation and dissemination

در چارچوب شاخص تاب‌آوری اقتصادی جامعه (تیم راهبردی منطقه میدلنز غربی) نیز شاخص‌های حوزه نیروی کار به شرح جدول ذیل احصاء شده‌اند:

جدول (۲). نماگرهای بازار نیروی کار در شاخص تاب‌آوری اقتصادی جامعه

ردیف	نماگرهای بازار نیروی کار
۱	نرخ بیکاری
۱	نرخ اشتغال در سن کار
۲	نسبت مدعیان کارجویی برای کمک هزینه با ادعای بیش از ۱۲ ماه
۳	نسبت جمعیت در سن کار با هیچ مدرک تحصیلی
۴	نسبت جمعیت در سن کار با سطح ۴ مدرک تحصیلی NVQ [۱]
۵	نسبت ساکنان استخدام شده در مشاغل دانشی

مأخذ: تیم پژوهشی منطقه میدلنز غربی (۲۰۱۰)

۳. شاخص‌های پژوهش حاضر برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی در حوزه بازار کار

آن دسته از نماگرهایی که وضعیت تاب‌آوری استان‌ها را از منظر شاخص‌های بازار کار می‌تواند نشان دهد و در عین حال آمار و اطلاعات آن برای پژوهش حاضر در دسترس می‌باشد، در این بخش آورده شده‌اند.

همان‌گونه که بیان شد یکی از اهداف تحریم‌های اقتصادی که از آن به عنوان یک تکانه بیرونی یاد می‌شود، بیکاری نیروی کار جوان است. الزامات قانونی در داخل کشور وجود دارد که بر اساس آن استان‌ها مکلف به افزایش توانمندی و بهبود وضعیت خود در محور بازار کار و اشتغال هستند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی که می‌توان با کمک آن‌ها وضعیت تاب‌آوری اقتصادی بازار کار استان‌های ایران را سنجید و آمار آن نیز در دسترس است شامل مواردی است که در جدول زیر آورده شده است. بدین منظور با استفاده از تکنیک فاصله تا استان پیشرو در نهایت شاخص ترکیبی برای ارزیابی استان‌های ایران از منظر شاخص تاب‌آوری اقتصادی بازار کار طراحی خواهد شد.

جدول (۳). معرفی مؤلفه‌های شاخص تاب‌آوری اقتصادی بازار کار

ردیف	شاخص	تعریف/مفهوم	علت انتخاب	جهت اثر
۱	نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا	درصد جمعیت فعال اقتصادی که فاقد شغل و در جست‌وجوی کار هستند.	نشان‌دهنده میزان عدم استفاده از نیروی کار و ظرفیت جذب نیروی کار توسط بازار است. بیکاری پایین‌تر بیانگر ظرفیت بالاتر بازار کار برای مقابله با شوک‌های اقتصادی است.	منفی
۲	نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال	نسبت جمعیت جوان فعال اقتصادی فاقد شغل و در جست‌وجوی کار به کل جکعیت اقتصادی جوان	جوانان و افراد تازه وارد به بازار کار معمولاً در برابر شوک‌های اقتصادی و کاهش فرصت‌های شغلی آسیب‌پذیرترند. بالا بودن بیکاری جوانان نشان دهنده ضعف بازار کار در جذب نیروی کار جدید ئ ظرفیت پایین‌تر آن برای سازگاری با شوک‌های	منفی

[۱] National Vocational Qualification

			اقتصادی است.	
۳	سهم اشتغال ناقص زمانی	سهم شاغلانی که ساعات کارشان کمتر از حد متعارف بوده و متقاضی و آماده کار بیشتر هستند.	میزان استفاده ناکافی از نیروی کار را نشان می‌دهد و مکمل نرخ بیکاری است؛ زیرا بخشی از فشار بازار کار ممکن است به‌صورت کاهش ساعات کار ظاهر شود، نه بیکاری.	منفی
۴	نرخ مشارکت اقتصادی	نسبت جمعیت فعال اقتصادی به جمعیت در سن کار	میزان حضور و آمادگی نیروی انسانی برای مشارکت در بازار کار و ظرفیت عرضه نیروی کار استان را نشان می‌دهد.	مثبت
۵	نسبت اشتغال	نسبت جمعیت شاغل به جمعیت در سن کار	توان بالفعل بازار کار در ایجاد و حفظ فرصت‌های شغلی و میزان استفاده از ظرفیت نیروی انسانی استان را نشان می‌دهد.	مثبت
۶	سهم شاغلان دارای تحصیلات آموزش عالی	نسبت شاغلان دارای تحصیلات دانشگاهی به کل شاغلان	نشان‌دهنده سطح سرمایه انسانی و ظرفیت نیروی کار برای سازگاری با تغییرات ساختاری، فناوری و نیازهای جدید بازار کار است.	مثبت
۷	نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی	نسبت بیکاران دارای تحصیلات آموزش عالی به جمعیت فعال دارای تحصیلات آموزش عالی	میزان توانایی بازار کار در جذب نیروی انسانی تحصیل‌کرده و میزان انطباق عرضه نیروی متخصص با تقاضای بازار را نشان می‌دهد.	منفی
۸	سهم اشتغال بخش خصوصی	سهم شاغلان بخش خصوصی از کل شاغلان	بیانگر ظرفیت بخش غیردولتی برای ایجاد اشتغال و میزان تنوع منابع اشتغال در اقتصاد استان است.	مثبت
۹	تنوع ساختار اشتغال	میزان پراکندگی اشتغال نیروی کار بین بخشهای مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات)	تنوع بیشتر ساختار اشتغال موجب کاهش وابستگی بازار کار به یک بخش خاص می‌شود که این موضوع بیانگر توان تاب آوری بازار کار در شرایط بروز بحران‌ها و مخاطرات بیرونی خواهد بود.	مثبت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که مشخص است هر شاخص واحدی متفاوت به خود را دارد و برای تلفیق این متغیرها، می‌بایست ابتدا آن‌ها را نرمال نماییم. همچنین برای هم جهت نمودن اثرات شاخصها از تکنیک مکمل گیری استفاده می‌شود.

۱-۳. تلفیق متغیرهای مختلف با واحدهای اندازه‌گیری متفاوت

هنگامی که یک شاخص حاصل ترکیب چند متغیر است که این متغیرها واحدهای یکسانی ندارند و مقادیر متفاوتی به خود می‌گیرند و حداکثر و حداقل‌های متفاوتی دارند، امکان جمع کردن یا میانگین‌گیری برای ایجاد شاخص نداریم، بنابراین در مرحله اول باید متغیرهای تأثیرگذار بر یک شاخص براساس فرمول کلی زیر[۱۲]محاسبه و نرمال شوند (دهقان‌منشادی و پوررحیم، ۱۳۹۲)؛

رابطه (۱)
$$I_{it}=\frac{X_{it}-X_{min}}{X_{max}-X_{min}}$$

[۱۲]. در طراحی شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) از این روش برای ترکیب متغیرهای کمی و کیفی استفاده نموده‌اند. در این پژوهش نیز که شاخص‌ها واحدهای یکسانی ندارند از این روش استفاده می‌شود.

I_{it} ارزش شاخص متغیر X برای استان iام درسال tام می‌باشد. X_{it} ارزش حقیقی شاخص X در زمان t برای استان iام است و X_{min} و X_{max} مربوط به استان‌هایی است که ارزش حداقلی و حداکثری از شاخص X در دوره زمانی t را دارند است.

مقدار متغیرها و نرمال شده هر یک از مؤلفه ها به تفکیک در پیوست گزارش آورده شده است.

۲-۳. بررسی شاخص های بازار کار در استان‌ها

در این پژوهش ۷ نماگر شناسایی شده که با تلفیق آن‌ها می‌توان به یک شاخص برای اندازه‌گیری تاب‌آوری بازار کار در هر استان رسید. علاوه بر توضیحاتی که در ذیل هر نماگر مبنی بر دلیل به کار بردن آن ارائه شده، همزمان در این بخش این نماگرها نرمال شده و جایگاه هر استان در هر یک از این نماگرها قابل بررسی خواهد بود. تحلیل‌ها بر پایه داده‌های استانی سال ۱۴۰۴ منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران تهیه شده و ۷ شاخص کلیدی بازار کار را پوشش می‌دهد: نرخ بیکاری کل(۱۵ سال به بالا)، نرخ بیکاری جوانان (۱۸ تا ۳۵ سال)، سهم اشتغال ناقص، نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال، سهم اشتغال بخش خصوصی و تنوع ساختار اشتغال(سهم اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات) همچنین برای هر شاخص، میانگین کشوری به عنوان نرم مرجع محاسبه و سه استان مطلوب و سه استان نامطلوب شناسایی شده است.

معیار مطلوبیت برای شاخص‌های بیکاری و اشتغال ناقص «کمتر بودن» و برای مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال و سهم بخش خصوصی «بیشتر بودن» است.

مقایسه استان‌ها نشان می دهد که:

- پارادوکس زنجان و اردبیل: این دو استان نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال بسیار بالایی دارند (جزو ۳ استان برتر)، اما در عین حال جزو استان‌هایی هستند که نرخ بیکاری و اشتغال ناقص متوسط به بالا دارند. این نشان می‌دهد بازار کار این مناطق بسیار فعال است (نرخ مشارکت بالا)، اما اقتصاد آن‌ها هنوز نتوانسته این حجم از متقاضیان کار را به صورت پایدار و کامل جذب کند.
- وضعیت نگران‌کننده کرمانشاه و ایلام: این دو استان در شاخص‌های منفی (بیکاری کل و بیکاری جوانان) همواره در صدرِ لیست‌های «نامطلوب» قرار دارند. این نشان‌دهنده یک بحران ساختاری در بازار کار این مناطق است که نیازمند مداخله جدی‌تر یا مدل‌های کسب‌وکار خاص منطقه‌ای است.
- ثبات در قطب‌های صنعتی: استان‌هایی مثل قزوین، اصفهان و مرکزی در شاخص «سهم اشتغال بخش خصوصی» و برخی شاخص‌های دیگر وضعیت باثبات‌تری دارند که احتمالا ناشی از حضور صنایع بزرگ و متوسط در این استان‌هاست.
- فرصت اشتغال ناقص: در استان‌هایی مانند «خراسان شمالی»، «کرمانشاه» و «گلستان» که سهم اشتغال ناقص بالاست، ظرفیت بسیار زیادی برای «توانمندسازی» و «تکمیلِ اشتغال» وجود دارد. یعنی نیروی کار وجود دارد

اما شغل آن‌ها از نظر زمانی «کامل» نیست. لذا توسعه بخش صنعت به عنوان بخش پیشرو در ایجاد اشتغال کامل زمانی متناسب با پتانسیل های منطقه ای توصیه می گردد.

جدول (۴). شاخص‌های با اثر منفی

شاخص	میانگین کشوری	سه استان با شرایط مطلوب	سه استان با شرایط نامطلوب
نرخ بیکاری کل (درصد)	۷/۵	خراسان جنوبی(۵) ، آذربایجان غربی(۵,۵) ، یزد (۵,۷)	کرمانشاه (۱۱,۷)، خوزستان (۱۱)، سیستان‌وبلوچستان (۱۰,۲)
نرخ بیکاری جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال (درصد)	۱۵/۰	آذربایجان غربی(۱۰,۵)، خراسان جنوبی (۱۰,۶) ، یزد (۱۱,۱)	ایلام (۲۴,۸) ،کرمانشاه(۲۳,۲) خوزستان (۲۱,۷)
سهم اشتغال ناقص(درصد)	۷/۶	بوشهر (۱,۶)یزد (۱,۸)، هرمزگان(۲,۵)	خراسان شمالی (۱۹,۳) کرمانشاه (۱۵,۱)گلستان (۱۵)

جدول (۵). شاخص‌های با اثر مثبت

شاخص	میانگین کشوری	سه استان با شرایط مطلوب	سه استان با شرایط نامطلوب
نرخ مشارکت اقتصادی(درصد)	۴۰/۶	زنجان (۵۰) ، اردبیل (۴۷,۶) خراسان شمالی (۴۴,۱)	کهگیلویه و بویراحمد (۳۰,۹)، ایلام (۳۲,۳) سیستان‌وبلوچستان(۳۳,۵)
نسبت اشتغال(درصد)	۳۷/۵	زنجان (۴۶,۳) ،اردبیل (۴۳,۲) مازندران (۴۱,۷)	کهگیلویه و بویراحمد(۲۸,۹)، ایلام (۲۹,۲) سیستان‌وبلوچستان(۳۰,۱)
سهم اشتغال بخش خصوصی(درصد)	۸۶/۲	قزوین (۹۰,۷) کردستان (۸۹,۶) همدان (۸۸,۷)	کهگیلویه و بویراحمد (۷۰,۸)، خراسان جنوبی (۷۶,۹)، بوشهر (۷۷,۳)

جدول (۶). تحلیل ترکیب اشتغال در بخش‌های اقتصادی

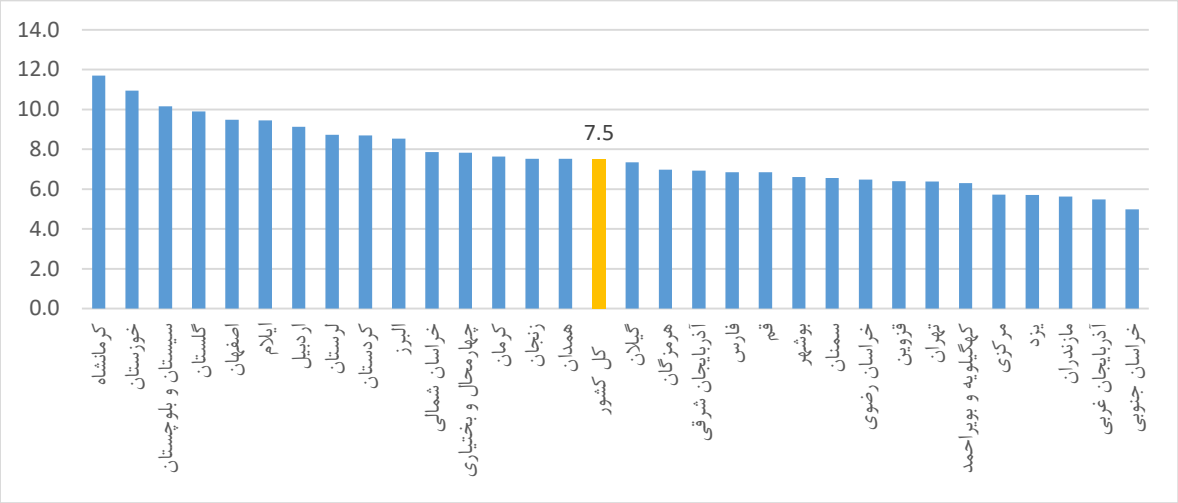
بخش اقتصادی	میانگین کشوری	سه استان با بیشترین سهم	سه استان با کمترین سهم
کشاورزی(درصد)	۱۳/۹	کرمان (۳۶,۲) ، خراسان شمالی (۲۶,۹)، زنجان (۲۶)	تهران (۱,۴)، البرز (۲,۵)، قم (۳,۲)
صنعت(درصد)	۳۲/۸	مرکزی (۴۴,۸)، یزد (۴۴) ، البرز (۴۲,۸)	کرمان (۲۱,۵)، لرستان(۲۴)،آذربایجان غربی (۲۴,۲)
خدمات(درصد)	۵۳/۲	تهران (۶۴,۴) ، بوشهر (۶۳,۳) ، قم (۵۵,۵)	مرکزی (۴۰,۴)، زنجان (۴۱,۹) ،کرمان (۴۲,۳)

۱-نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالای استان ها

نرخ بیکاری کشور در سال ۱۴۰۴ معادل ۷,۵ درصد می باشد که ۱۵ استان نرخ بیکاری بیش از میانگین کشوری دارند. جداول فوق نیز نشان می دهد که استانهای کرمانشاه (۱۱,۷)، خوزستان (۱۱)، سیستان‌وبلوچستان (۱۰,۲) بالاترین نرخ بیکاری را در کشور دارند.

نکته قابل توجه آن‌که جهت مطلوب نرخ بیکاری برای شاخص کلی تاب‌آوری بازار کار در هراستان، کاهشی است. به عبارت دیگر هر استانی که در آن نرخ بیکاری کمتر باشد تاب‌آوری بازار کار آن استان بیشتر است به عبارت دیگر استانی که در آن نرخ اشتغال بالاتر باشد بنابراین برای شاخص‌سازی به منظور همجهت نمودن تمامی متغیرها از نرخ اشتغال در هر استان که مکمل نرخ بیکاری بوده و عبارتست از نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال ضرب در ۱۰۰، استفاده می‌نماییم.

نمودار (۱). مقایسه نرخ بیکاری در بین استان‌ها در سال ۱۴۰۴

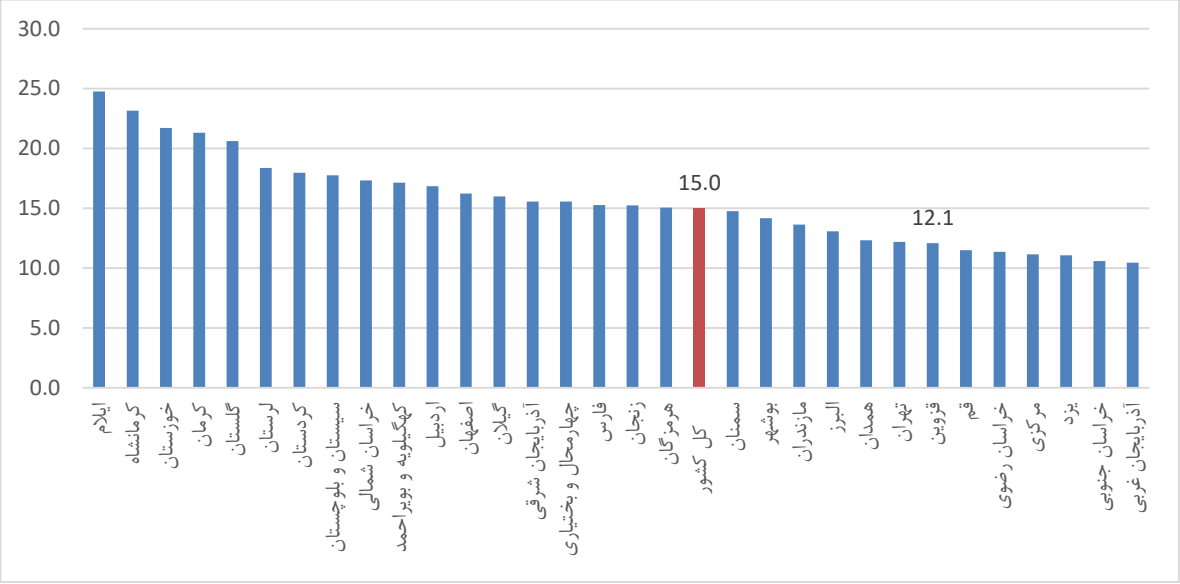


۲-نرخ بیکاری بین ۱۸ تا ۳۵ سال استانها

جوانان آسیب پذیرترین گروه در بازار کار می باشند بنابراین شاخص نرخ بیکاری بین ۱۸ تا ۳۵ سال نسبت به شاخص بیکاری ۱۵ سال به بالا ، نماگر مناسب تری از شرایط بازار کار و همچنین وضعیت اقتصاد ملی می باشد. در سال ۱۴۰۴ این شاخص در کشور برابر با ۱۵ درصد بوده که ۲ برابر نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا می باشد. ۱۸ استان کشور نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال بیشتر از میانگین کشور دارند. استانها ایلام (۲۴,۸) ،کرمانشاه(۲۳,۲) خوزستان (۲۱,۷) بدترین وضعیت را در کشور دارند.

همان‌طورکه اشاره شد این شاخص اثر منفی بر تاب آوری بازار کار دارد. به عبارتی نرخ بیکاری بالا در این بازه سنی حکایت از فقدان ظرفیت های اقتصادی لازم برای ایجاد اشتغال فعال ترین بازه سنی در چرخه فعالیت اقتصادی افراد، دارد. این وضعیت نه تنها یک چالش اقتصادی بلکه یک بحران اجتماعی محسوب می شود که می‌تواند به کاهش انگیزه تحصیلی، فرار مغزها و ناامیدی گسترده منجر شود.

نمودار (۲) نرخ بیکاری بین ۱۸ تا ۳۵ سال استان‌ها

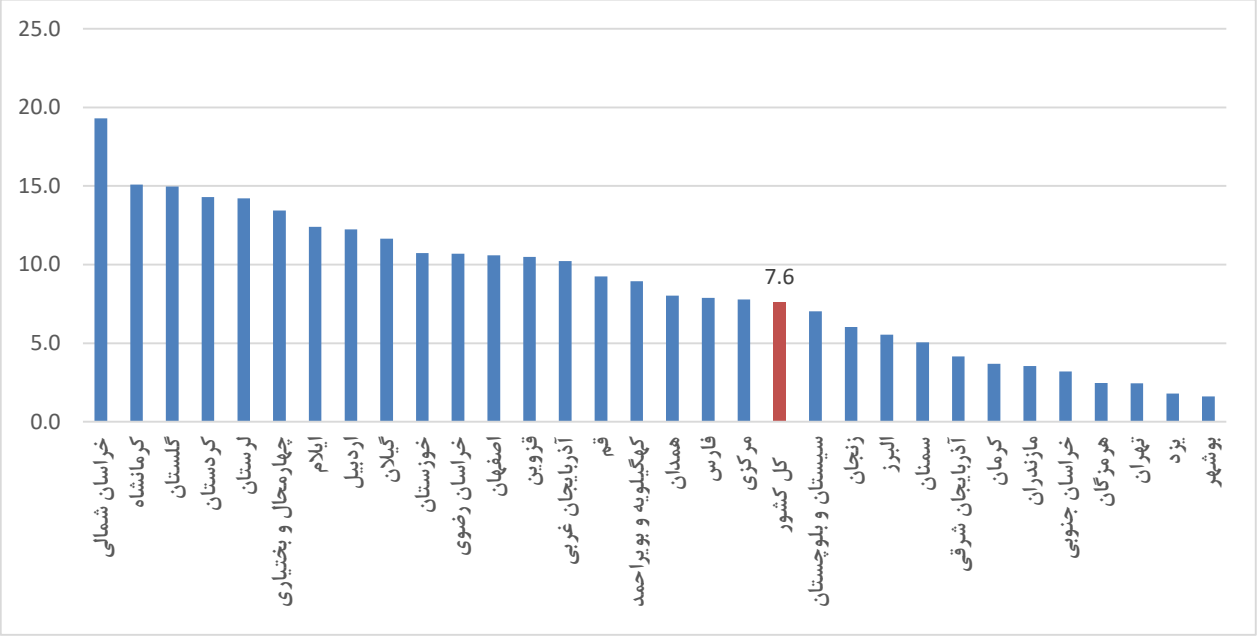


۳-سهم اشتغال ناقص زمانی در هر استان

اشتغال ناقص معیاری است که تعداد کل افرادی را در یک اقتصاد نشان می دهد که به طور ناخواسته در مشاغل کم مهارت و یا کم درآمد و یا به صورت پاره وقت کار می کنند زیرا نمی توانند مشاغل تمام وقت متناسب با مهارت خود را پیدا کنند. سهم اشتغال ناقص زمانی در کشور معادل ۷,۶ درصد از کل شاغلان کشور در شرایطی کار می کنند که امکان فعالیت با ساعات کار بیشتر را دارند.

آمار این شاخص در برخی استانها به اعدا بسیار زیادی اشاره می کند بطوریکه استانهای خراسان شمالی (۱۹,۳ درصد)، کرمانشاه (۱۵,۱ درصد)،گلستان (۱۵ درصد) بالاترین سهم اشتغال ناقص زمانی را در جمعیت شاغل خود دارند که در کنار سایر شاخص های بازار کار حکایت از ظرفیت بالقوه نیروی کار کشور دارد.

نمودار (۳). مقایسه سهم اشتغال ناقص زمانی در بین استان‌ها در سال ۱۴۰۴



مؤلفه سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی نیز بر تاب‌آوری بازار کار اثرات منفی دارد بنابراین برای همجهت نمودن این مؤلفه با سایر مؤلفه ها پس از استاندارد نمودن آن برای هر یک از استان‌ها اقدام به استخراج مکمل سهم اشتغال ناقص زمانی از طریق فرمول زیر می‌نماییم؛

(امتیاز هر استان در مؤلفه سهم اشتغال ناقص زمانی پس از نرمالیزه نمودن-۱)=امتیاز مکمل مؤلفه سهم اشتغال ناقص زمانی برای هر استان

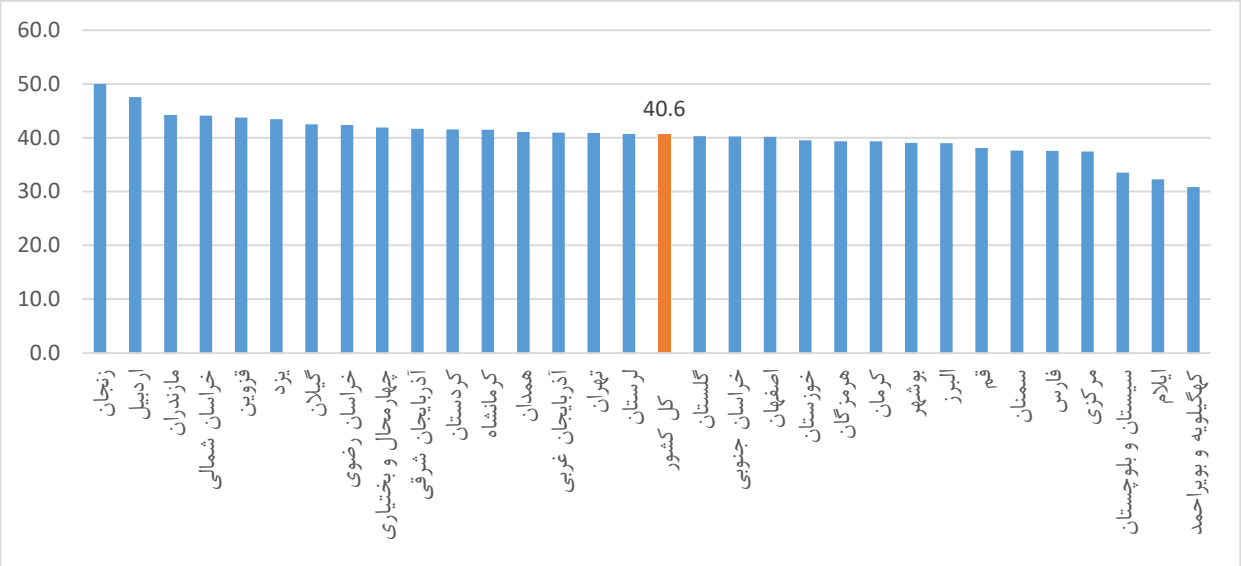
۴-نرخ مشارکت نیروی کار استان‌ها

نرخ مشارکت اقتصادی عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۵ساله و بیشتر به کل جمعیت در سن کار ۱۵ساله و بیشتر ضرب در ۱۰۰. این نرخ که از جمله شاخص‌های مهم و اساسی در بازار کار می‌باشد خود متأثر از عوامل مختلفی نظیر قوانین و مقررات وظیفه عمومی، نظام آموزشی مورد نیاز متناسب با مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، سطح دستمزدهای حقیقی، نرخ بیکاری، چسبندگی بازار کار ناشی از قوانین و مقررات کار و شرایط اقتصادی است.

میانگین نرخ مشارکت اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۴ علارغم سهم بالای جمعیت در سن کار کشور، برابر با ۴۰,۶ درصد می باشد این درحالیست که این شاخص به عنوان شاخصی از پویایی بازار کار کشورها در سال ۲۰۲۵ براساس آمار سازمان جهانی کار، در برخی کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه بدین شرح بوده که: قطر ۸۷ درصد، امارات ۷۸,۶ درصد، بحرین ۷۰,۴ درصد، ترکیه ۵۴,۴ درصد و میانگین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا معادل ۴۷,۴ درصد.

آمار استان‌های کشور نشان می دهد ۱۵ استان حتی نرخ مشارکت کمتر از میانگین کشوری دارند و بدترین شرایط از حیث این شاخص مربوط به استانهای کهگیلویه و بویراحمد (۳۰,۹)، ایلام (۳۲,۳) سیستان‌وبلوچستان(۳۳,۵) می باشد. بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی را استانهای زنجان (۵۰) ، اردبیل (۴۷,۶) خراسان شمالی (۴۴,۱) داشتند.

نمودار (۴). مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار در بین استان‌ها در سال ۱۴۰۴

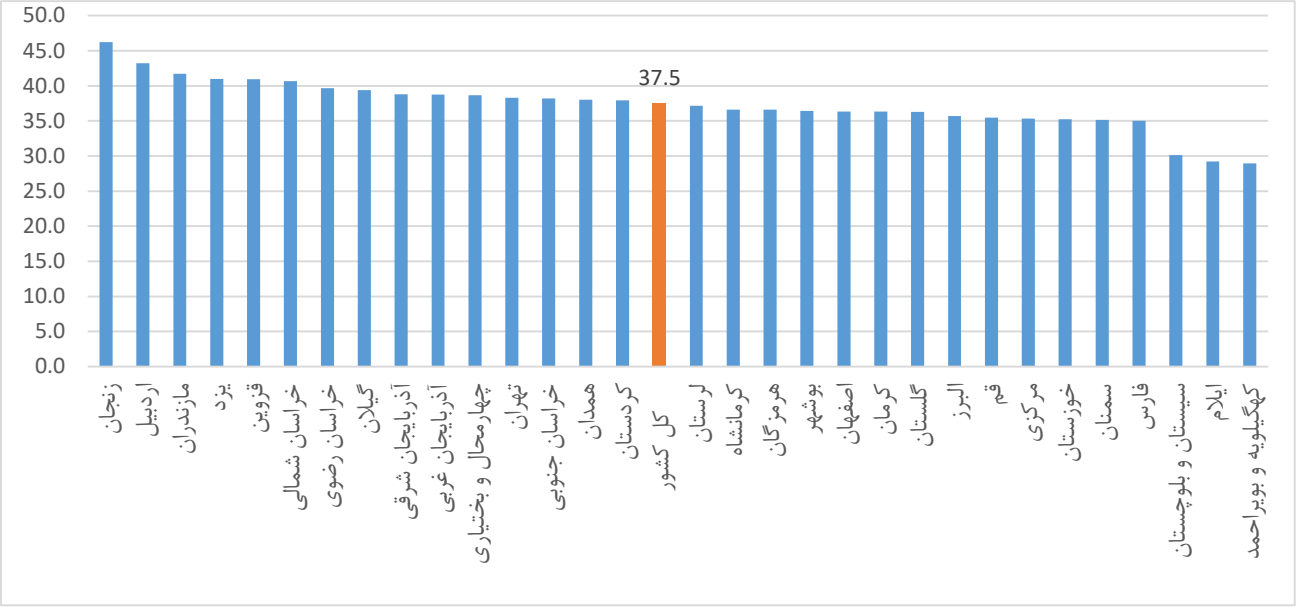


۵-نسبت اشتغال در استانها

نسبت اشتغال یعنی نسبت تعداد افراد شاغل بالا ۱۵ سال به کل جمعیت بالای ۱۵ سال. به عبارتی نشان می دهد که چه درصدی از کل جمعیت در سن کار کشور شاغل (اعم از اشتغال تمام وقت یا دارای اشتغال ناقص زمانی). اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می دهد که تنها ۳۷,۵ درصد از کل جمعیت در سن کار کشور شاغل هستند که باید توجه داست که از این ۳۷,۵ درصد جمعیت شاغل بالغ بر ۷,۶ درصد نیز دچار اشتغال ناقص زمانی هستند.

استان‌های کهگیلویه و بویراحمد(۲۸,۹)، ایلام (۲۹,۲) سیستان‌وبلوچستان(۳۰,۱) کمترین نسبت اشتغال را دارند و این استان‌ها دقیقاً همان استان‌هایی هستند که نرخ مشارکت اقتصادی در آن‌ها نیز کمترین در کشور بود. لذا می توان همگرایی این دو شاخص که همواره مورد تاکید صاحبنظران حوزه بازارکار بوده، مشاهده کرد. به طوری که عدم رشد اقتصادی و ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی و اشتغال در اقتصاد باعث ایجاد دلسردی و خارج شدن جمعیت در سن کار از بازار کار می‌گردد و بدین ترتیب نرخ مشارکت اقتصادی کاهش ابد.

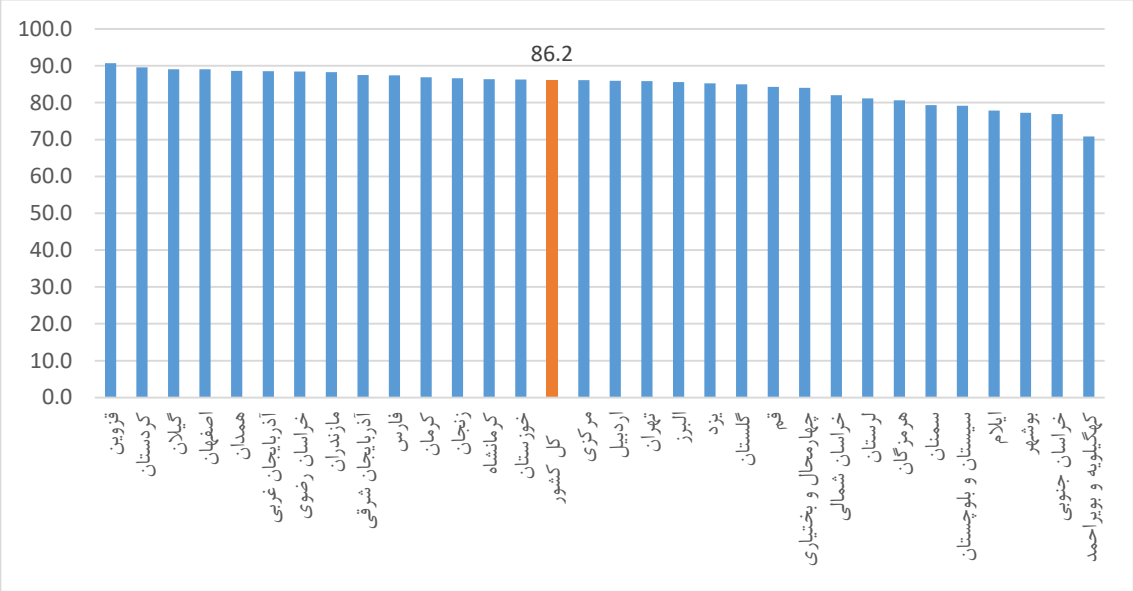
نمودار (۵). نسبت اشتغال در استانها



۶-اشتغال بخش خصوصی در استانها

در سطح کشور، میانگین سهم اشتغال بخش خصوصی ۸۶,۲۲۵٪ برآورد شده است که نشان‌دهنده نقش بسیار تعیین‌کننده و حیاتی این بخش در ظرفیت‌سازی شغلی کشور است. با این حال، توزیع این اشتغال در سطح استان‌ها کاملاً یکنواخت نیست و تفاوت‌های معناداری را نشان می‌دهد. برخی استان‌ها مانند قزوین با سهم بسیار بالای ۹۰,۷٪، پیشروترین استان‌ها در ایجاد اشتغال از طریق بخش خصوصی هستند و ساختار اقتصادی آن‌ها به شدت به فعالیت‌های غیردولتی وابسته است. در مقابل، استان‌هایی مانند کهگیلویه و بویراحمد با سهم ۷۰,۸٪، کمترین میزان اشتغال در بخش خصوصی را در میان استان‌ها ثبت کرده‌اند که نشان‌دهنده حضور پررنگ‌تر بخش دولتی در اقتصاد این استان است. این تفاوت‌ها بیانگر آن است که در حالی که بخش خصوصی موتور اصلی اشتغال در اکثر استان‌هاست، در برخی مناطق همچنان بخش دولتی نقش سنگین‌تری در بازار کار ایفا می‌کند.

نمودار (۶). اشتغال بخش خصوصی در استان‌ها



۷-تنوع ساختار اشتغال استان‌ها

ساختار اشتغال در سطح کشور به طور میانگین بر پایه سه رکن اصلی شکل گرفته است که در آن بخش خدمات با سهم ۵۰,۸۶٪، نقش اصلی را در جذب نیروی کار ایفا می‌کند. پس از آن، بخش صنعت با سهم ۳۲,۷۵٪ و در رتبه بعدی، بخش کشاورزی با سهم ۱۶,۳۱٪ قرار دارد.

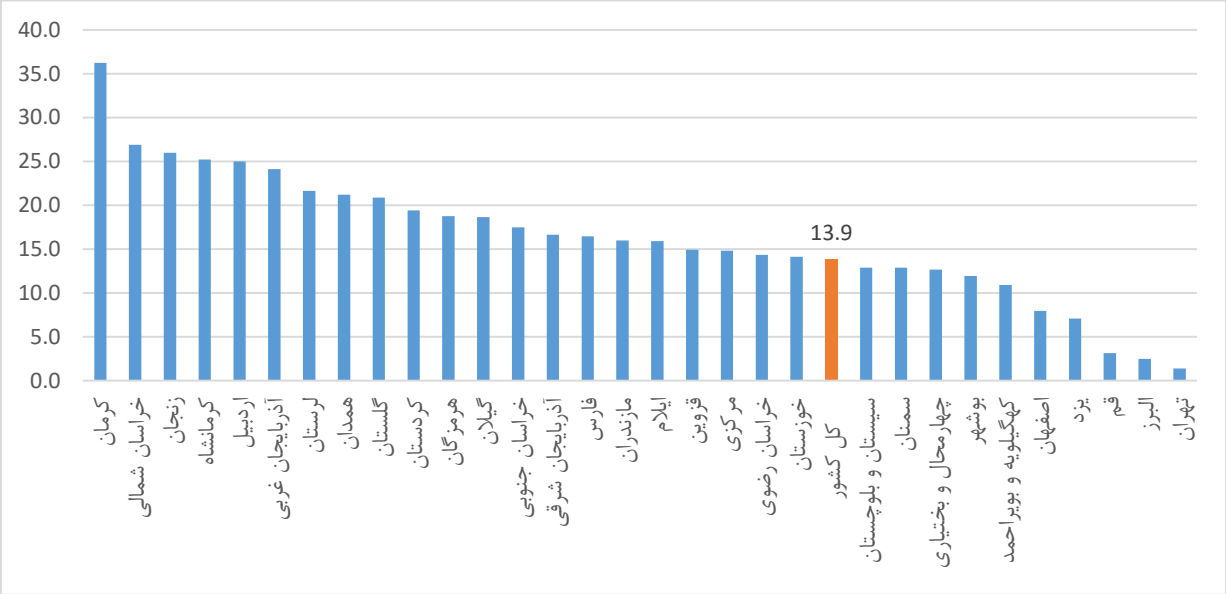
تحلیل تفکیکی استان‌ها نشان‌دهنده یک عدم توازن جغرافیایی مشخص است؛ به طوری که استان‌هایی مانند تهران با تمرکز بر فعالیت‌های تجاری و اداری، کمترین سهم را در بخش کشاورزی (۱,۴٪) و بیشترین سهم را در بخش خدمات دارند. در مقابل، استان‌هایی نظیر کرمان با سهم بالای ۳۶٪ در کشاورزی، الگوی متفاوتی از ساختار اقتصادی را نشان می‌دهند. همچنین، تمرکز صنعتی در استان‌هایی مانند مرکزی (با ۴۴,۸٪ سهم صنعت) نسبت به سایر نقاط کشور بسیار چشمگیرتر است. به طور کلی، این داده‌ها نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی استان‌ها از یک مدل کشاورزی-صنعتی به سمت یک مدل مبتنی بر خدمات حرکت کرده است، اما شدت این گذار در هر استان به دلیل ویژگی‌های اقلیمی و زیرساختی متفاوت است.

۷-۱- اشتغال بخش کشاورزی

بخش کشاورزی در ساختار اشتغال کشور، نقشی مکمل اما با تمرکز منطقه‌ای خاص دارد. میانگین سهم اشتغال این بخش در سطح کشور حدود ۱۶,۳۱٪ است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که اشتغال کشاورزی در استان‌های کمتر

توسعه یافته کشور یا استان‌هایی با پتانسیل طبیعی بالا (مانند کرمان با سهم ۳۶٫۲۳٪) بسیار پررنگ‌تر از استان‌های توسعه‌یافته یا صنعتی است. در مقابل، در استان‌هایی مانند تهران که با تمرکز بر اقتصاد مدرن فعالیت می‌کند، سهم این بخش به شدت کاهش یافته و به ۱٫۴٪ می‌رسد. این تفاوت فاحش نشان‌دهنده این واقعیت است که کشاورزی همچنان منبع اصلی اشتغال در مناطق روستایی و استان‌های با پتانسیل آب و خاک است، اما در اقتصاد کلان شهری، نقش کمرنگ‌تری دارد.

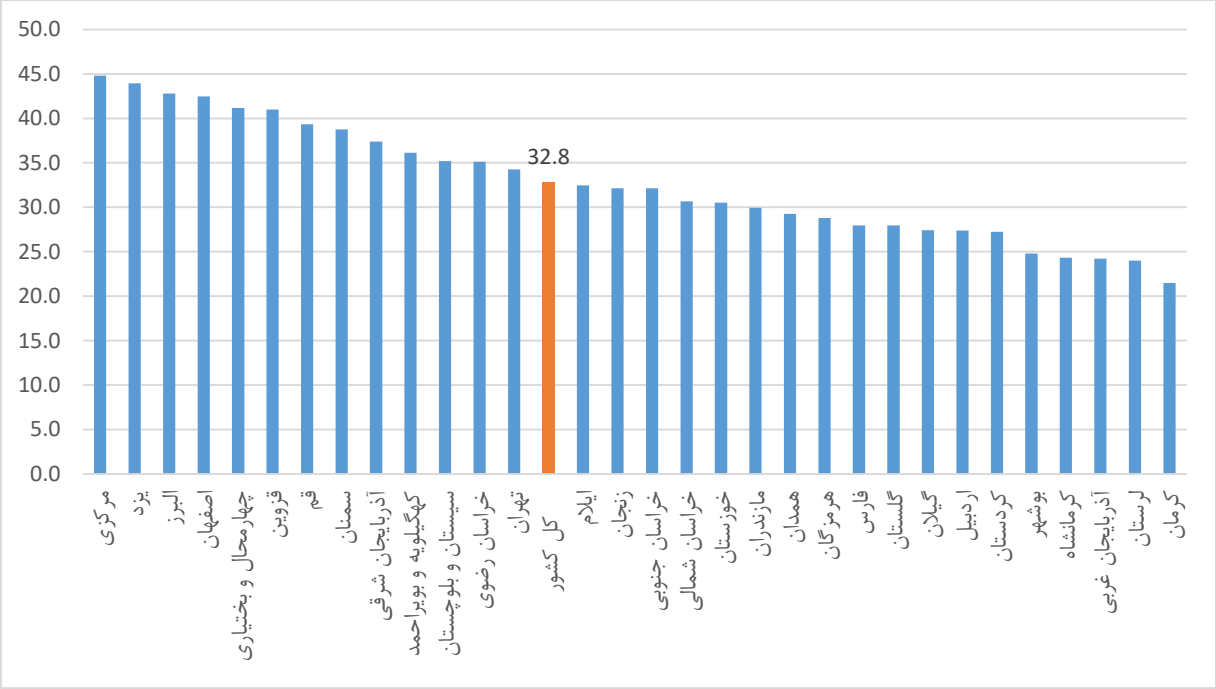
نمودار (۷). اشتغال بخش کشاورزی استان‌ها



۲-۷-اشتغال بخش صنعت

بخش صنعت با میانگین سهم اشتغال ۳۲٫۷۵٪، دومین ستون اصلی اقتصاد کشور محسوب می‌شود. ساختار اشتغالی این بخش به شدت تحت تأثیر قطب‌های صنعتی استان‌ها قرار دارد. برای نمونه، استان مرکزی با سهم ۴۴٫۸٪ در بخش صنعت، یکی از پیشروترین استان‌ها در جذب نیروی کار صنعتی است که نشان‌دهنده تمرکز صنایع سنگین یا تولیدی در این منطقه است. از سوی دیگر، در استان‌هایی که زیرساخت‌های صنعتی توسعه‌یافته کمتری دارند، این سهم به شدت کاهش می‌یابد (تا حدود ۲۱٫۵٪ در استان کرمان). این پراکندگی نشان می‌دهد که رشد اشتغال در این بخش مستقیماً با تمرکز مناطق ویژه اقتصادی و زیرساخت‌های تولیدی استان‌ها در ارتباط است.

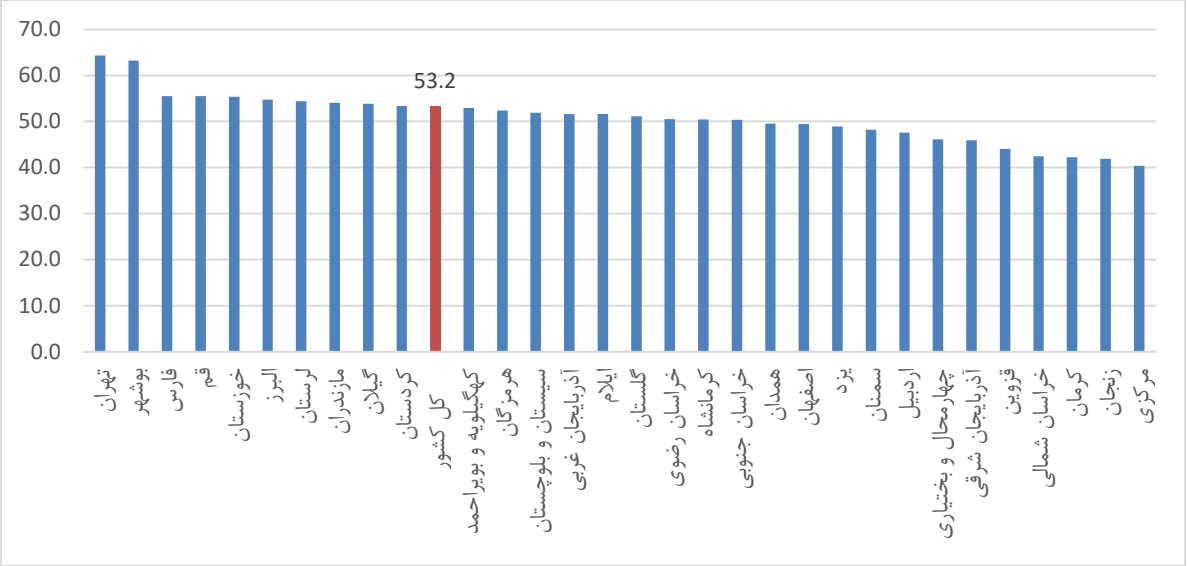
نمودار (۸). اشتغال بخش صنعت استان‌ها



۳-۷-اشتغال بخش خدمات

بخش خدمات با میانگین سهم ۵۰,۸۶٪، بزرگ‌ترین کارفرمای کشور است و ساختار اشتغال را به سمت یک اقتصاد مبتنی بر خدمات سوق داده است. این بخش در استان‌های پیشرفته و پایتخت‌ها، مانند تهران، به اوج خود می‌رسد (با سهم ۶۴,۳۵٪) که بازتاب‌دهنده تمرکز فعالیت‌های اداری، تجاری، بانکی و تکنولوژی در این مناطق است. حتی در استان‌هایی که سهم خدمات کمتر است، باز هم این بخش معمولاً بالاترین سهم را در میان سه بخش اقتصادی دارد. غلبه این بخش نشان‌دهنده گذار اقتصادی کشور به سمت مدل‌های مدرن است، اما همزمان چالش‌هایی نظیر کیفیت اشتغال در این بخش را نیز با خود به همراه دارد.

نمودار (۹). اشتغال بخش خدمات استان‌ها



۴. فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP[۱۳]) توسط "توماس. ال ساعتی" در سال ۱۹۸۰ مطرح شده است. این تکنیک، سازگاری زیادی با نحوه‌ی تفکر و فرآیندهای ذهنی انسان دارد و نیز الگوریتم آن بر اساس یک منطق ریاضی بنا شده است. «فرایند تحلیل سلسله مراتبی» به ما کمک می‌کند که بتوانیم تصمیمات مناسبی برای موضوعات پیچیده، با ساده کردن و هدایت مراحل تصمیم‌گیری، اتخاذ کنیم. AHP روشی است که در ان، یک وضعیت پیچیده، به بخش‌های کوچکتر آن تجزیه می‌شود و سپس این اجزا در ساختاری سلسله مراتبی قرار می‌گیرند. در این روش، به قضاوت‌های ذهنی با توجه به اهمیت هر متغیر، مقادیر عددی اختصاص می‌دهند تا متغیرهایی که بیشترین اهمیت را دارند، مشخص شوند (عادل آذر و علی رجب‌زاده، ۱۳۸۱).

در این روش، که مبتنی بر نظر خبرگان می باشد، هیچ فرمول و شیوه ای برای تعیین حجم نمونه، و تعداد پرسشنامه‌ای که می‌بایست تکمیل شود، مشخص نشده است (بیبی، ۲۰۱۳). روش AHP هر دو ارزیابی عینی و ذهنی را در یک ساختار یکپارچه بر مبنای مقیاس‌هایی با زوج مقایسه ترکیب نموده و به تحلیل‌گران کمک می‌کند تا جوانب اساسی یک مساله را در یک قالب سلسله مراتبی سازماندهی کنند. از جمله مزایای این روش می‌توان به این موارد اشاره نمود: سنجش سازگاری قضاوت‌های تصمیم‌گیرندگان، ایجاد مقایسات زوجی در انتخاب راهکار و گزینه بهینه، توان در نظر گرفتن معیارها و زیر معیارها در ارزیابی گزینه‌ها، ایجاد قابلیت دستیابی به بهترین گزینه از طریق مقایسات زوجی.

[۱۳] Analytical Hierarchy Process

این تکنیک که در زمره روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره می‌باشد دارای ۴ اصل اساسی است که همواره باید رعایت شود:

۱. اصل معکوس بودن: اگر معیار C1 بر معیار C2 ارجحیت n داشته باشید معیار C2 بر C1 ارجحیت $\frac{۱}{n}$ دارد. این اصل در تشکیل مقایسات زوجی همواره رعایت می گردد. (این اصل در ماتریس های مقایسه زوجی در درایه های بالا و پایین قطر اصلی مشهورد است.)
۲. اصل همگنی: گزینه ها و معیارها باید همواره مقایسه پذیر باشند یعنی نمیتوان دو گزینه را وارد مدل تصمیم گیری کرد که یکی نسبت به دیگری بی نهایت مهم باشد.
۳. اصل وابستگی: در مدل های سلسله مراتبی هر سطح به سطح بالاتر خود وابسته است.
۴. اصل انتظارات: هرگاه تغییری در مدل سلسله مراتبی ایجاد شد به عنوان مثال یک معیار اضافه شد باید کل مراحل سلسله مراتبی دوباره صورت بگیرد.

مراحل روش تحلیل سلسله مراتبی به شرح زیر است؛

۱. ساختن نمودار سلسله مراتبی:

در این گام ابتدا باید عوامل پژوهش را از منابع مختلف استخراج نمود و یا از افراد خبره سوال کرد. بعد از استخراج عوامل و گزینه‌ها، مسأله را به سطوح معیار و در صورت وجود زیرمعیار و گزینه تقسیم کرد. وجود معیار در مدل AHP ضروری است یعنی مدل سلسله مراتبی بدون وجود معیار ایجاد نخواهد شد.

۲. تشکیل ماتریس مقایسات زوجی:

در این مرحله عناصر هر سطح نسبت به سایر عناصر مربوط خود در سطح بالاتر به صورت زوجی مقایسه شده و ماتریس های مقایسات زوجی تشکیل می‌شوند. جهت تعیین اهمیت و ترجیح در مقایسات زوجی از طیف ۱ تا ۹ ساعتی که در پرسشنامه پیوست (۱) آمده است استفاده می‌کنیم. به طور کلی یک ماتریس مقایسه زوجی به صورت زیر نشان داده می شود که در آن aij ترجیح عنصر I ام نسبت به عنصر j ام است. با مشخص بودن aijها وزن عناصر یعنی Wi ها را به دست می‌آوریم:

$$A=\begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & ..a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & ..a_{2n} \\ . & . & . \\ . & . & . \\ . & . & . \\ a_{n1} & a_{n2} & ..a_{nn} \end{bmatrix}$$

A=[aij] و j...۱,۲ =n

هر ماتریس مقایسه زوجی ممکن است سازگار و یا ناسازگار باشد. در حالتی که ماتریس سازگار باشد محاسبه وزن(wi) ساده بوده و از نرمالیزه کردن عناصر هر ستون به دست می آید (اگر A دو برابر B اهمیت داشته باشد و B سه برابر C مهم باشد ، چنانچه A شش برابر C اهمیت داشته باشد این قضاوت را سازگار می گوییم). اما در حالتی که ماتریس ناسازگار باشد ، محاسبه وزن ساده نبوده و برای به دست آوردن آن چهار روش عمده مطرح شده که عبارتند از :

الف ـ روش حداقل مربعات[۱۴]

ب ـ روش حداقل مربعات لگاریتمی[۱۵]

ج ـ روش بردار ویژه[۱۶]

د ـ روش‌های تقریبی[۱۷] (قدسی پور، ۱۳۸۹)

۳. محاسبه نرخ ناسازگاری:

نرخ ناسازگاری نشان دهنده این است که مقایسات از ثبات و پایداری برخوردار هستند یا خیر. در نرم افزارهای مختص روش AHP این نرخ به صورت خودکار توسط نرم افزار محاسبه می‌شود چنانچه این نرخ از ۰,۱ کمتر باشد نشان از سازگاری ماتریس است و اگر از ۰,۱ بیشتر باشد باید در مقایسات زوجی تجدید نظر نمود. در مواقعی که در یک مساله تصمیم‌گیری تعداد عوامل زیاد باشد در بیشتر مواقع نرخ ناسازگاری بسیار زیاد می‌شود و رفع کردن آن نیازمند تغییرات زیاد در ماتریس مقایسه زوجی است پیشنهاد می‌شود که در چنین مواقعی از روش AHP بهبود یافته استفاده شود.

نرخ ناسازگاری هر ماتریس A را طبق مراحل زیر می‌توان به دست آورد:

۱- ماتریس مقایسه زوجی A را تشکیل می دهیم.

۲- بردار وزن (w) را مشخص می نماییم.

۳- مقدار بزرگترین مقدار ویژه ماتریس A (یعنی λ_{MAX}) را تخمین می زنیم:

۳-۱- با ضرب بردار w در ماتریس A و همگرا کردن حد زیر در مراحل مختلف ، تخمین مناسبی از $\lambda_{MAX} w$ به دست می آوریم.

$$\lim \quad w_i = \frac{1}{\lambda}\sum_{j=1}^{n} a_{ij} w_j$$

[۱۴] Least squares method

[۱۵] Logarithmic Least squares method

[۱۶] Eigenvector method

[۱۷] Approximation methods

۳-۲- با تقسیم مقادیر به دست آمده برای $\lambda_{MAX} w$ بر w مربوطه، تخمین هایی از λ_{MAX} را محاسبه می‌نماییم.

۳-۳- متوسط λ_{MAX} های به دست آمده را پیدا می کنیم .

۴- مقدار شاخص ناسازگاری (I.I.) را از رابطه زیر محاسبه می نماییم .

$$I.I = \frac{\lambda_{MAX} - n}{n-1}$$

۵- نرخ ناسازگاری (I.R.) را از فرمول زیر به دست می آوریم .

برای هر ماتریس حاصل تقسیم شاخص ناسازگاری (I.I.) بر شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی (I.I.R.) هم بعدش معیار مناسبی برای قضاوت در مورد ناسازگاری می باشد که آن را نرخ ناسازگاری (I.R)[1] می نامیم. چنانچه این عدد کوچک تر یا مساوی ۰/۱ باشد سازگاری سیستم قابل قبول است و گرنه باید در قضاوت ها تجدید نظر نمود (قدسی-پور ، ۱۳۸۹ ، ۷۳).

$$I.R = \frac{I.I.}{I.I.R.}$$

مقادیر شاخص ناسازگاری (I.I.) را برای ماتریس هایی که اعداد آن ها کاملاً تصادفی اختیار شده باشند محاسبه کرده‌اند و آن را شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی[2](I.I.R.) نام نهاده‌اند که مقـادیر آن‌هـا برای ماتریس‌های n بعدی مطابق جدول زیر است.

جدول (۷). شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی

N	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
I.I.R	۰	۰	۰/۵۸	۰/۹	۱/۱۲	۱/۲۴	۱/۳۲	۱/۴۱	۱/۴۵	۱/۴۵	۱/۴۸	۱/۵۱	۱/۵۶	۱/۵۷	۱/۵۹

منبع: قدسی‌پور ، ۱۳۸۹

برای وزن‌دهی به روش AHP با استفاده از روش‌های مختلف وزن‌دهی، وزن نسبی معیارها را بدست می‌آوریم. روش‌های متفاوتی برای وزن‌دهی وجود دارد از جمله روش مجموع سطری، مجموع ستونی، میانگین حسابی، میانگین هندسی، روش بردار ویژه، روش مجموع مربعات. در مدلی که شامل معیار و گزینه است ابتدا باید وزن معیارها نسبت به هدف را بدست آورد و سپس وزن گزینه‌ها نسبت به تک تک معیارها. در انتها نیز با ضرب ماتریسی وزن معیارها در وزن نسبی گزینه‌ها، وزن نهایی گزینه‌ها حاصل می‌شود.

۱. Inconsistencv Ratio نرخ ناسازگاری

۲. inconsistencv index of Random matrix شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی

۵. محاسبه وزن هر یک از مؤلفه‌های پژوهش با اجرای تکنیک AHP

در این مرحله برای شاخص‌های کیفی و بر اساس مقایسات زوجی طبق طیف "ساعتی"، به هر یک از عناصر ماتریس‌ها، مقادیر عددی توسط خبرگان داده شد. پرسشنامه مورد نظر در پیوست ۱ آورده شده است.

همان‌گونه که بیان شد در روش AHP، شاخصی به نام نرخ ناسازگاری محاسبه و اعلام می‌گردد که برای بررسی مفهوم پایایی[۱۸]استفاده می‌شود. این شاخص به گونه‌ای طراحی شده است که در صورت ناسازگار و متناقض بودن پاسخ‌های خبرگان این مسأله خود را نشان خواهد داد و ما بدین ترتیب به نامناسب بودن پرسشنامه و پاسخ‌ها پی می‌بریم و در حالتی که ناسازگاری از حد نصاب اعلام شده (ده درصد) بیشتر باشد، لازم است ارزیابی‌ها مجدد انجام گردد. همچنین با توجه به اینکه پرسشنامه روش AHP به تأیید خبرگان موضوع می‌رسد، لذا روایی[۱۹]آن نیز مورد تأیید می‌باشد.

پرسشنامه مورد نظر بین ۱۴ نفر از نخبگان توزیع گردید و سپس با استفاده از میانگین هندسی ماتریسها به صورت متناظر ادغام گردید که به شرح زیر می‌باشد؛

جدول (۸). ماتریس ارجیت نسبی مؤلفه‌ها

	A	B	C	D	E	F	G
A	۱.۰۰۰	۰.۴۵۴	۱.۳۷۵	۰.۵۰۴	۰.۵۷۷	۰.۵۵۱	۰.۷۶۸
B	۲.۲۰۰	۱.۰۰۰	۲.۸۶۳	۰.۹۲۲	۱.۲۹۶	۰.۶۰۰	۰.۵۷۷
C	۰.۷۲۷	۰.۳۴۹	۱.۰۰۰	۰.۳۵۴	۰.۳۶۲	۰.۲۲۹	۰.۲۷۴
D	۱.۹۸۴	۱.۰۸۴	۲.۸۲۳	۱.۰۰۰	۱.۳۱۱	۰.۹۳۴	۰.۸۴۳
E	۱.۷۳۳	۰.۷۷۱	۲.۷۶۴	۰.۷۶۳	۱.۰۰۰	۰.۸۷۵	۱.۱۴۷
F	۱.۸۱۶	۱.۶۶۷	۴.۳۶۱	۱.۰۷۰	۱.۱۴۲	۱.۰۰۰	۲.۰۱۴
G	۱.۳۰۲	۱.۷۳۴	۳.۶۵۳	۱.۱۸۷	۰.۸۷۲	۰.۴۹۶	۱.۰۰۰

مأخذ: یافته‌های حاصل از پرسشنامه AHP

[۱۸]. منظور از پایایی یک پرسشنامه این است که اگر خصیصه مورد سنجش را با همان پرسشنامه و در شرایط مشابه، مجدداً اندازه‌گیری کنیم، نتایج تا چه اندازه مشابه به دست آید. به عبارت دیگر این پرسشنامه تا چه میزان قابل اعتماد می‌باشد. یعنی بتوان پرسشنامه را در موارد متعدد به کار برد و نتایج یکسان گرفت. پایایی مربوط به ثبات است یعنی حصول یک نتیجه به صورت مکرر.

[۱۹]. روایی پرسشنامه دلالت بر این دارد که پرسشنامه ما تا چه حد رواست، یعنی آیا دقیقاً همان موضوع و خصیصه‌ای که مد نظر ماست را اندازه‌گیری می‌کند یا خیر.

جدول (۹). وزن نهایی شاخص‌ها و کنترل سازگاری

کد	شاخص	وزن نهایی	رتبه
A	نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا	۰.۰۹۱۲۴۱	۶
B	نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵	۰.۱۵۲۸۱۶	۴
C	سهم اشتغال ناقص	۰.۰۵۳۷۹۸	۷
D	نرخ مشارکت اقتصادی	۰.۱۶۹۵۱۷	۲
E	نسبت اشتغال	۰.۱۵۱۵۵۸	۵
F	سهم اشتغال بخش خصوصی	۰.۲۱۶۰۸۴	۱
G	تنوع ساختار اشتغال	۰.۱۶۴۹۸۵	۳

کنترل سازگاری	
λmax	**۷.۱۵۱۱۰۵**
CI	**۰.۰۲۵۱۸۴۲**
RI (n=7)	**۱.۳۲**
CR	**۰.۰۱۹۰۷۸۹۴**
تفسیر	**سازگاری قابل قبول CR<۰,۱**

همان‌گونه که مشاهده می‌شود نسبت ناسازگاری معادل ۰,۰۱۹ بوده و کوچکتر از ۰,۱ است لذا قضاوت‌های خبرگان قابل قبول و مورد پذیرش می‌باشد. بررسی وزن مؤلفه‌های شاخص نشان می‌دهد که سهم اشتغال بخش خصوصی با وزن ۰,۲۱۶، بیشترین اهمیت را در شکل‌گیری شاخص نهایی داشته است. پس از آن، نرخ مشارکت اقتصادی با وزن ۰,۱۷۰ و تنوع ساختار اشتغال با وزن ۰,۱۶۵ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال با وزن ۰,۱۵۳ و نسبت اشتغال با وزن ۰,۱۵۲ از اهمیت نسبتاً بالایی برخوردارند؛ در حالی که نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا و سهم اشتغال ناقص به ترتیب دارای وزن‌های ۰,۰۹۱ و ۰,۰۵۴ هستند. این الگوی وزن‌دهی نشان می‌دهد که در چارچوب شاخص حاضر، تاب‌آوری بازار کار صرفاً به معنای پایین بودن نرخ بیکاری نیست؛ بلکه ظرفیت جذب نیروی کار، نقش بخش خصوصی در ایجاد اشتغال و میزان تنوع ساختار اشتغال نیز از عناصر مهم تاب‌آوری محسوب می‌شوند. به بیان دیگر، بازار کاری که از مشارکت اقتصادی بالاتر، اشتغال خصوصی گسترده‌تر و ساختار اشتغالی متنوع‌تری برخوردار باشد، در چارچوب این شاخص از ظرفیت بیشتری برای مواجهه با تغییرات و اختلالات بازار کار برخوردار تلقی می‌شود.

۶. تفسیر نتایج

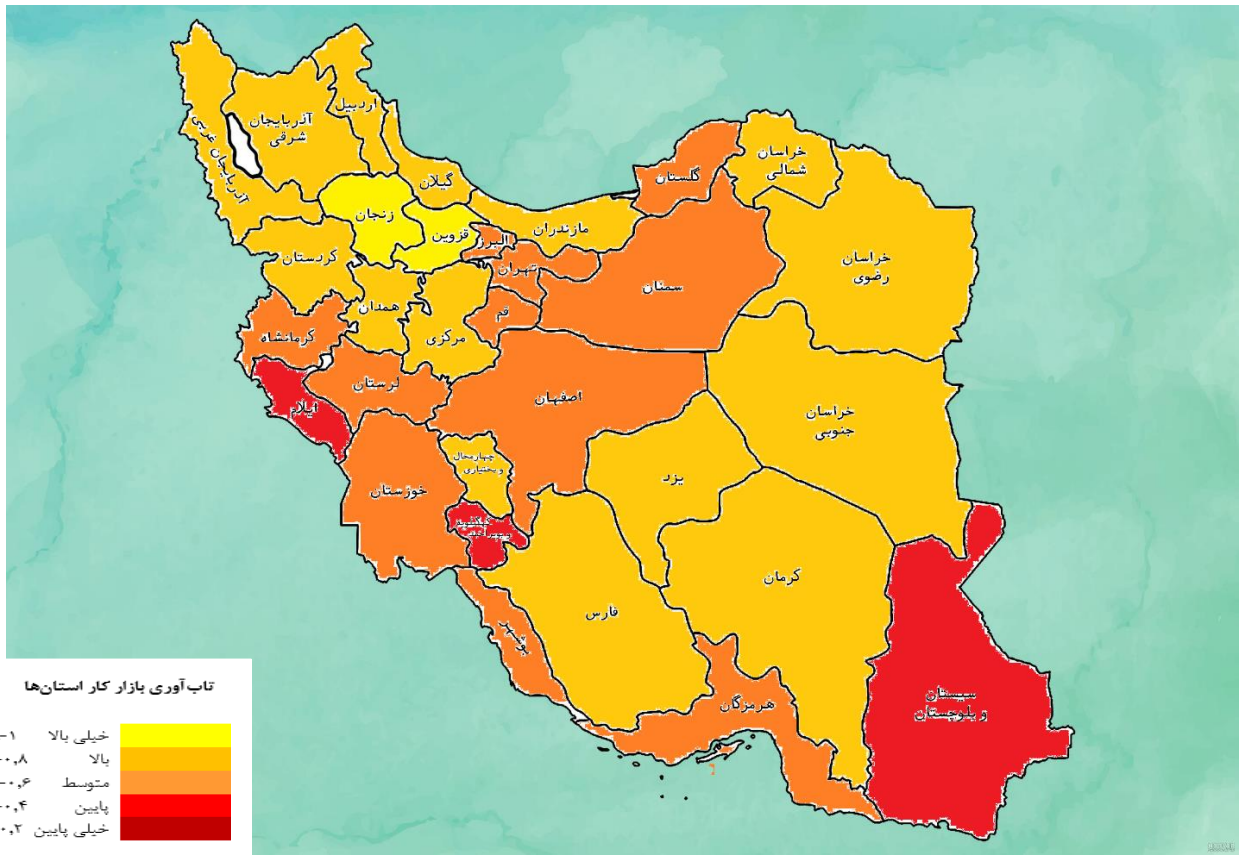
بررسی امتیاز استان‌ها در مؤلفه‌های با جهت اثرگذاری منفی در شاخص تاب‌آوری بازار کار و اشتغال نشان می‌دهد استان خراسان جنوبی کمترین نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا را دارد، بیشترین نرخ بیکاری در این گروه سنی مربوط به استان کرمانشاه می باشد. کمترین نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال نیز مربوط به استان آذربایجان غربی و بیشترین نرخ بیکاری این گروه سنی مربوط به استان ایلام می‌باشد. بیشترین سهم اشتغال ناقص مربوط به استان خراسان شمالی و کمترین رقم مربوط به سهم اشتغال ناقص مربوط به استان بوشهر می باشد.

بررسی امتیاز استان‌ها در مؤلفه‌های با جهت اثرگذاری مثبت در شاخص تاب‌آوری بازار کار و اشتغال نشان می-دهد بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال مربوط به استان زنجان و کمترین نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد است. همچنین بالاترین سهم اشتغال بخش خصوصی مربوط به استان قزوین و کمترین سهم اشتغال بخش خصوصی مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد می باشد. بالاترین تنوع ساختار اشتغال نیز متعلق به استان زنجان بوده و پایین ترین تنوع ساختار اشتغال نیز متعلق به استان تهران می باشد.

۱-۶. امتیاز استان‌ها در شاخص تاب‌آوری بازار کار و اشتغال

نتایج محاسبه شاخص ترکیبی تاب‌آوری بازار کار و اشتغال (که از میانگین وزنی مؤلفه‌های نرمال شده شاخص تاب‌آوری بازار کار حاصل شده است (جدول شماره ۲ پیوست) نشان‌دهنده وجود تفاوت قابل توجه در وضعیت تاب‌آوری بازار کار میان استان‌های کشور است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، امتیاز شاخص تاب‌آوری استان‌ها در دامنه ۰,۲۶۳ تا ۰,۸۵۷ قرار دارد که بیانگر ناهمگونی قابل توجه ظرفیت بازارهای کار استانی در برخورداری از مؤلفه‌های مختلف تاب‌آوری است. این تفاوت نشان می‌دهد که وضعیت بازار کار استان‌ها را نمی‌توان صرفاً بر اساس یک شاخص منفرد مانند نرخ بیکاری ارزیابی کرد و لازم است مجموعه‌ای از شاخص‌های کمی و ساختاری به صورت همزمان مورد توجه قرار گیرد. در جدول شماره (۱۰) نقاط ضعف هر استان به تفکیک آورده شده، که می‌توانند به سیاستگذای منطقه ای در هر یک از استان کمک نماید.

تصویر (۱). اطلس شاخص تاب‌آوری بازار کار در بین استان‌های ایران



مأخذ: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های مورد استفاده

جدول(۱۰). رتبه بندی استان‌ها در شاخص تاب آوری به همراه نقاط ضعف و پیشنهادهای سیاستی به تفکیک هر استان

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰-۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
۱	زنجان	۷.۵	۱۵.۳	۶	۵۰	۴۶.۳	۸۶.۷	۶۵.۴	۰.۸۵۷	خیلی بالا	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۱۵,۳٪؛ با وجود مشارکت ۵۰٪، اشتغال جوانان نقطه قابل بهبود است.

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
											پیشنهاد سیاستی: اشتغال جوانان، مهارت متناسب با نیاز بنگاه‌ها و پیوند مراکز مهارت‌آموزی با بخش خصوصی.
۲	قزوین	۶.۴	۱۲.۱	۱۰.۵	۴۳.۸	۴۰.۹	۹۰.۷	۶۱.۶	۰.۸۰۱	خیلی بالا	نقطه ضعف: اشتغال ناقص ۱۰,۵٪ و تنوع ساختار ۰,۶۱۶؛ مسئله اصلی کیفیت و تنوع اشتغال است. پیشنهاد سیاستی: کاهش اشتغال ناقص، توسعه خدمات تخصصی و دانش‌بنیان و حفظ ظرفیت بالای بخش خصوصی.
۳	مازندران	۵.۶	۱۳.۷	۳.۶	۴۴.۲	۴۱.۷	۸۸.۳	۵۹.۲	۰.۷۷۹	بالا	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۱۳,۷٪ و تنوع ساختار ۰,۵۹۲. پیشنهاد سیاستی: تقویت اشتغال جوانان و تنوع فعالیت های مولد و با بهره‌وری بالاتر.
۴	آذربایجان غربی	۵.۵	۱۰.۵	۱۰.۲	۴۱	۳۸.۸	۸۸.۵	۶۱.۶	۰.۷۶۵	بالا	نقطه ضعف: اشتغال ناقص ۱۰,۲٪ و نسبت اشتغال ۳۸,۸٪. پیشنهاد سیاستی: کاهش اشتغال ناقص و ارتقای کیفیت و پایداری مشاغل.

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
۵	خراسان رضوی	۶.۵	۱۱.۴	۱۰.۷	۴۲.۴	۳۹.۷	۸۸.۵	۶۰.۱	۰.۷۴۶	بالا	نقطه ضعف: اشتغال ناقص ۱۰,۷٪ و بیکاری جوانان ۱۱,۴٪. پیشنهاد سیاستی: کاهش اشتغال ناقص و ایجاد مشاغل با بهره‌وری بالاتر برای جوانان.
۶	یزد	۵.۷	۱۱.۱	۱.۸	۴۳.۵	۴۱	۸۵.۲	۵۶.۲	۰.۷۳۹	بالا	نقطه ضعف: تنوع ساختار ۰,۵۶۲ (تمرکز ساختاری نسبتاً بالا). پیشنهاد سیاستی: تنوع بخشی به فعالیت‌ها و فرصت های شغلی برای کاهش تمرکز.
۷	اردبیل	۹.۱	۱۶.۹	۱۲.۳	۴۷.۶	۴۳.۲	۸۶	۶۳.۶	۰.۷۲۸	بالا	نقطه ضعف: بیکاری ۹,۱٪. بیکاری جوانان ۱۶,۹٪ و اشتغال ناقص ۱۲,۳٪. پیشنهاد سیاستی: اشتغال جوانان و کاهش اشتغال ناقص با حمایت از فعالیت های مولد.
۸	همدان	۷.۵	۱۲.۳	۸	۴۱.۱	۳۸	۸۸.۷	۶۲.۴	۰.۷۲۶	بالا	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۱۲,۳٪ و نسبت اشتغال ۳۸٪. پیشنهاد سیاستی: تقویت اشتغال جوانان و افزایش

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
											اشتغال پایدار، به‌ویژه در بنگاه‌های خصوصی.
۹	آذربایجان شرقی	۶.۹	۱۵.۶	۴.۲	۴۱.۷	۳۸.۸	۸۷.۵	۶۲.۱	۰.۷۰۹	بالا	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۱۵,۶٪ و نسبت اشتغال ۳۸,۸٪. پیشنهاد سیاستی: افزایش جذب نیروی کار جوان و مهارت‌آموزی متناسب با تقاضای بنگاه‌ها.
۱۰	گیلان	۷.۴	۱۶	۱۱.۷	۴۲.۵	۳۹.۴	۸۹.۱	۶۰	۰.۶۸۶	بالا	نقطه ضعف: اشتغال ناقص ۱۱,۷٪، بیکاری جوانان ۱۶٪ و تنوع ۰,۶۸۶ پیشنهاد سیاستی: کاهش اشتغال ناقص و توسعه فعالیت‌های متنوع و با ارزش افزوده بالاتر.
۱۱	مرکزی	۵.۷	۱۱.۲	۷.۸	۳۷.۵	۳۵.۳	۸۶.۱	۶۱.۴	۰.۶۷۲	بالا	نقطه ضعف: مشارکت ۳۷,۵٪ و نسبت اشتغال ۳۵,۳٪. پیشنهاد سیاستی: افزایش مشارکت و فرصت اشتغال همراه با حفظ ظرفیت صنعتی.
۱۲	خراسان جنوبی	۵	۱۰.۶	۳.۲	۴۰.۲	۳۸.۲	۷۶.۹	۶۱.۲	۰.۶۵	بالا	نقطه ضعف: سهم اشتغال خصوصی ۷۶,۹٪ و نسبت اشتغال ۳۸,۲٪. پیشنهاد سیاستی: تقویت

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
											بنگاه‌های خصوصی و محلی و افزایش ظرفیت جذب نیروی کار.
۱۳	**خراسان شمالی**	۷.۹	۱۷.۳	۱۹.۳	۴۴.۱	۴۰.۷	۸۲	۶۵.۳	۰.۶۳۸	بالا	نقطه ضعف: اشتغال ناقص ۱۹,۳٪؛ بالاترین مقدار مشاهده‌شده؛ بیکاری جوانان ۱۷,۳٪. پیشنهاد سیاستی: کاهش اشتغال ناقص و ارتقای کیفیت مشاغل، همراه با برنامه اشتغال جوانان.
۱۴	**کردستان**	۸.۷	۱۸	۱۴.۳	۴۱.۶	۳۷.۹	۸۹.۶	۶۰.۳	۰.۶۲۶	بالا	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۱۸٪ و اشتغال ناقص ۱۴,۳٪. پیشنهاد سیاستی: اشتغال جوانان، کاهش اشتغال ناقص و تقویت بنگاه‌های خصوصی.
۱۵	**چهارمحال و بختیاری**	۷.۸	۱۵.۶	۱۳.۵	۴۱.۹	۳۸.۷	۸۴.۱	۶۰.۱	۰.۶۱۴	بالا	نقطه ضعف: اشتغال ناقص ۱۳,۵٪ و بیکاری جوانان ۱۵,۶٪. پیشنهاد سیاستی: کاهش اشتغال ناقص و ایجاد فعالیت های مولد و پایدار برای جوانان.
۱۶	**کرمان**	۷.۶	۲۱.۳	۳.۷	۳۹.۴	۳۶.۴	۸۶.۹	۶۴.۴	۰.۶۱۱	بالا	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۲۱,۳٪ و مشارکت ۳۹,۴٪. تنوع ساختار ۰,۶۴۴ است.

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
											پیشنهاد سیاستی: مرکز بر اشتغال جوانان و استفاده از تنوع ساختاری برای ایجاد مشاغل پایدار.
۱۷	**فارس**	۶.۹	۱۵.۳	۷.۹	۳۷.۶	۳۵	۸۷.۵	۵۸.۶	۰.۶	بالا	نقطه ضعف: مشارکت ۳۷٫۶٪، نسبت اشتغال ۳۵٪ و بیکاری جوانان ۱۵٫۳٪. پیشنهاد سیاستی: فزایش مشارکت و اشتغال مؤثر و سیاست‌های هدفمند برای جوانان.
۱۸	**هرمزگان**	۷	۱۵.۱	۲.۵	۳۹.۴	۳۶.۶	۸۰.۷	۶۰.۷	۰.۵۹۲۳	متوسط	نقطه ضعف: سهم اشتغال خصوصی ۸۰٫۷٪، مشارکت ۳۹٫۴٪ و نسبت اشتغال ۳۶٫۶٪. پیشنهاد سیاستی: تقویت بخش خصوصی و توسعه مشاغل دریایی، خدماتی و زنجیره‌های مرتبط.
۱۹	**تهران**	۶.۴	۱۲.۲	۲.۵	۴۰.۹	۳۸.۳	۸۵.۸	۴۶.۸	۰.۵۹۱۷	متوسط	نقطه ضعف: تنوع ۰,۴۶۸. پایین‌ترین مقدار؛ HHI برابر ۷.۵۳۱۷ (بالا بودن سهم اشتغال در بخش خدمات ۶۴٫۴٪) پیشنهاد سیاستی: تنوع بخشی به ساختار اشتغال و

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
											توسعه بخش‌های تخصصی و جدید.
۲۰	اصفهان	۹.۵	۱۶.۲	۱۰.۶	۴۰.۲	۳۶.۴	۸۹.۱	۵۶.۹	۰.۵۸۳	متوسط	نقطه ضعف: بیکاری ۹,۵٪، نسبت اشتغال ۳۶,۴٪ و تنوع ساختاراشتغال ۰,۵۶۹. پیشنهاد سیاستی: افزایش ظرفیت جذب نیروی کار و تنوع فعالیت‌های شغلی در کنار حفظ ظرفیت صنعتی.
۲۱	قم	۶.۹	۱۱.۵	۹.۳	۳۸.۱	۳۵.۵	۸۴.۳	۵۳.۶	۰.۵۶۵	متوسط	نقطه ضعف: مشارکت ۳۸,۱٪، نسبت اشتغال ۳۵,۵٪ و تنوع ۰,۵۳۶. پیشنهاد سیاستی: فزایش مشارکت و اشتغال مؤثر و توسعه تنوع فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی.
۲۲	البرز	۸.۵	۱۳.۱	۵.۶	۳۹	۳۵.۷	۸۵.۶	۵۱.۷	۰.۵۴۵	متوسط	نقطه ضعف: تنوع ۰,۵۱۷، مشارکت ۳۹٪، نسبت اشتغال ۳۵,۷٪ . پیشنهاد سیاستی: تنوع بخشی به فرصت‌های شغلی و افزایش مشارکت و نسبت اشتغال.
۲۳	سمنان	۶.۶	۱۴.۸	۵.۱	۳۷.۶	۳۵.۲	۷۹.۳	۶۰	۰.۵۴۴	متوسط	نقطه ضعف: مشارکت ۳۷,۶٪، نسبت اشتغال ۳۵,۲٪ و سهم بخش خصوصی ۷۹,۳٪.

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
											پیشنهاد سیاستی: افزایش مشارکت و نسبت اشتغال و تقویت ظرفیت بنگاه‌های خصوصی.
۲۴	**گلستان**	۹.۹	۲۰.۶	۱۵	۴۰.۳	۳۶.۳	۸۵	۶۱.۷	۰.۵۱۵	متوسط	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۲۰,۶٪ و اشتغال ناقص ۱۵٪. پیشنهاد سیاستی: تمرکز بر اشتغال جوانان و کاهش اشتغال ناقص.
۲۵	**لرستان**	۸.۷	۱۸.۴	۱۴.۲	۴۰.۷	۳۷.۲	۸۱.۱	۶۰	۰.۵۱۲	متوسط	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۱۸,۴٪ و اشتغال ناقص ۱۴,۲٪. پیشنهاد سیاستی: اشتغال جوانان و کاهش اشتغال ناقص با تقویت اشتغال پایدار خصوصی.
۲۶	**کرمانشاه**	۱۱.۷	۲۳.۲	۱۵.۱	۴۱.۵	۳۶.۶	۸۶.۴	۶۲.۲	۰.۴۹۸	متوسط	نقطه ضعف: بیکاری ۱۱,۷٪. بیکاری جوانان ۲۳,۲٪ و اشتغال ناقص ۱۵,۱٪. پیشنهاد سیاستی: کاهش بیکاری و اشتغال ناقص جوانان و ایجاد اشتغال پایدار خصوصی.
۲۷	**بوشهر**	۶.۶	۱۴.۲	۱.۶	۳۹	۳۶.۴	۷۷.۳	۵۲.۴	۰.۴۹۵	متوسط	نقطه ضعف: سهم اشتغال خصوصی ۷۷,۳٪، مشارکت ۳۹٪ و تنوع ۰,۵۲۴.

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰–۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
											پیشنهاد سیاستی: تقویت اشتغال‌زایی بخش خصوصی و تنوع‌بخشی به فرصت‌های شغلی.
۲۸	**خوزستان**	۱۱	۲۱.۷	۱۰.۷	۳۹.۶	۳۵.۲	۸۶.۳	۵۸.۱	۰.۴۷	متوسط	نقطه ضعف: بیکاری ۱۱٪، بیکاری جوانان ۲۱,۷٪ و نسبت اشتغال ۳۵,۲٪. پیشنهاد سیاستی: اشتغال جوانان، افزایش ظرفیت جذب نیروی کار و تنوع بخشی فرصت‌های شغلی.
۲۹	**سیستان و بلوچستان**	۱۰.۲	۱۷.۸	۷	۳۳.۵	۳۰.۱	۷۹.۲	۵۹	۰.۳۶۷	پایین	نقطه ضعف: مشارکت ۳۳,۵٪، نسبت اشتغال ۳۰,۱٪ و بیکاری ۱۰,۲٪. پیشنهاد سیاستی: فعال‌سازی جمعیت در سن کار، افزایش فرصت اشتغال و تقویت بخش خصوصی و محلی.
۳۰	**کهگیلویه و بویراحمد**	۶.۳	۱۷.۲	۹	۳۰.۹	۲۸.۹	۷۰.۸	۵۷.۷	۰.۲۸۳	پایین	نقطه ضعف: مشارکت ۳۰,۹٪، نسبت اشتغال ۲۸,۹٪ و سهم اشتغال خصوصی ۷۰,۸٪، هر سه بسیار پایین. پیشنهاد سیاستی: افزایش مشارکت و نسبت اشتغال و توسعه فرصت‌های شغلی خصوصی و محلی.

رتبه	استان	درصد نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (وزن: ۰,۰۹۱)	درصد نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (وزن: ۰,۱۵۳)	درصد سهم اشتغال ناقص (وزن: ۰,۰۵۴)	درصد نرخ مشارکت اقتصادی (وزن: ۰,۱۷)	درصد نسبت اشتغال (وزن: ۰,۱۵۲)	درصد سهم اشتغال بخش خصوصی (وزن: ۰,۲۱۶)	درصد تنوع ساختار اشتغال (وزن: ۰,۱۶۵)	امتیاز (دامنه امتیازات ۰-۱)	طبقه	نقاط ضعف و پیشنهاد سیاستی
۳۱	ایلام	۹.۵	۲۴.۸	۱۲.۴	۳۲.۳	۲۹.۲	۷۷.۹	۶۰.۳	۰.۲۶۳	پایین	نقطه ضعف: بیکاری جوانان ۲۴,۸٪، مشارکت ۳۲,۳٪ و نسبت اشتغال ۲۹,۲٪. پیشنهاد سیاستی: اشتغال جوانان، فعال‌سازی جمعیت در سن کار و توسعه ظرفیت بخش خصوصی.

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

۲-۶. تحلیل استان‌های دارای تاب‌آوری بالای بازار کار

نتایج شاخص ترکیبی تاب‌آوری بازار کار نشان می‌دهد که گروهی از استان‌ها از ظرفیت بالاتری برای مواجهه با تغییرات و اختلالات بازار کار برخوردارند. بر اساس دامنه‌های تعیین‌شده در پژوهش، استان‌های زنجان، قزوین، در طبقه تاب‌آوری خیلی بالا قرار میگیرند که امتیاز این گروه بین (۱-۰,۸) است و استان‌های مازندران، آذربایجان غربی، خراسان رضوی و یزد، اردبیل، همدان، آذربایجان شرقی، گیلان، مرکزی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و کردستان، چهار محال بختیاری، کرمان، فارس در طبقه تاب‌آوری بالا قرار می‌گیرند. امتیاز این گروه از ۰,۶ تا ۰,۸ متغیر است.

بررسی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده شاخص نشان می‌دهد که ویژگی مشترک این استان‌ها، برخورداری همزمان از عملکرد مناسب در چندین مؤلفه مهم بازار کار است و نمی‌توان جایگاه آن‌ها را صرفاً به نرخ پایین بیکاری نسبت داد. در واقع، با توجه به وزن‌های حاصل ازAHP ، سهم اشتغال بخش خصوصی، نرخ مشارکت اقتصادی، تنوع ساختار اشتغال، نرخ بیکاری جوانان و نسبت اشتغال مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده امتیاز نهایی هستند. همان‌گونه که بیان شد، سهم اشتغال بخش خصوصی با وزن ۰,۲۱۶ بیشترین وزن را دارد و پس از آن مشارکت اقتصادی با ۰,۱۷۰ و تنوع ساختار اشتغال با ۰,۱۶۵ قرار گرفته‌اند.

از این منظر، قرار گرفتن زنجان و قزوین در صدر رتبه‌بندی قابل توجه است. زنجان با امتیاز ۰,۸۵۶۸ رتبه نخست و قزوین با امتیاز ۰,۸۰۱۲ رتبه دوم را به دست آورده‌اند. زنجان در کنار نرخ مشارکت اقتصادی ۵۰ درصدی و نسبت اشتغال ۴۶,۳ درصدی، از بالاترین سطح تنوع ساختار اشتغال در میان استان‌ها نیز برخوردار است. قزوین نیز با مشارکت اقتصادی ۴۳,۸ درصد، نسبت اشتغال ۴۰,۹ درصد و سهم اشتغال بخش خصوصی ۹۰,۷ درصد، در چند مؤلفه دارای وزن بالا عملکرد مناسبی دارد. در میان استان‌های دارای تاب‌آوری بالا، تنوع ساختار اشتغال نیز یکی از عوامل قابل توجه است. اگرچه عملکرد سایر مؤلفه‌ها باعث تفاوت جایگاه نهایی آنها شده است. این موضوع نشان می‌دهد که تنوع بیشتر ساختار اشتغال می‌تواند یکی از عوامل تقویت‌کننده ظرفیت بازار کار در برابر شوک‌های بخشی باشد. در مجموع، ویژگی اصلی استان‌های دارای تاب‌آوری بالا را می‌توان عملکرد نسبتاً متوازن در مجموعه‌ای از مؤلفه‌های بازار کار دانست. این استان‌ها لزوماً در همه شاخص‌ها رتبه نخست ندارند، بلکه مزیت آن‌ها در ترکیب چند مؤلفه مهم و برخورداری از ظرفیت بالاتر در بخش خصوصی، مشارکت نیروی کار، نسبت اشتغال و تنوع ساختار اشتغال است. از این رو، سیاست‌گذاری برای این گروه می‌تواند بیشتر بر حفظ ظرفیت‌های موجود، ارتقای کیفیت اشتغال، کاهش بیکاری جوانان و افزایش تنوع فعالیت‌های اقتصادی متمرکز باشد.

۳-۶. تحلیل استان‌های دارای تاب‌آوری پایین بازار کار

تحلیل استان‌های دارای تاب‌آوری پایین بازار کار در نقطه مقابل، نتایج شاخص نشان می‌دهد که استان‌های دارای تاب‌آوری پایین با محدودیت بیشتری در مجموعه مؤلفه‌های بازار کار مواجه هستند. بر اساس طبقه‌بندی انجام‌شده، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام در گروه تاب‌آوری پایین قرار گرفته‌اند. امتیاز این استان‌ها از ۰,۲۶۳۲ تا ۰,۴۹۸۲ متغیر است و فاصله محسوسی با استان‌های صدر جدول دارند. نکته مهم در تحلیل این گروه آن است که پایین بودن امتیاز شاخص الزاماً ناشی از ضعف در یک شاخص منفرد نیست، بلکه در بسیاری از موارد حاصل تجمع چند ضعف در مؤلفه‌های دارای وزن بالا است. برای مثال، ایلام با امتیاز ۰,۲۶۳۲ در رتبه آخر قرار گرفته و در کنار نرخ بیکاری ۱۵ ساله و بیشتر معادل ۹,۵ درصد، نرخ بیکاری جوانان ۲۴,۸ درصد، مشارکت اقتصادی ۳۲,۳ درصد و نسبت اشتغال ۲۹,۲ درصد را ثبت کرده است.

همچنین سهم اشتغال بخش خصوصی این استان ۷۷,۹ درصد بوده است. در کهگیلویه و بویراحمد نیز مشارکت اقتصادی ۳۰,۹ درصد و نسبت اشتغال ۲۸,۹ درصد، یعنی پایین‌ترین مقادیر مشاهده‌شده در میان استان‌ها، ثبت شده است. علاوه بر آن، سهم اشتغال بخش خصوصی استان ۷۰,۸ درصد بوده که پایین‌ترین مقدار در مجموعه مورد بررسی است. این ترکیب، به‌ویژه با توجه به وزن بالای مشارکت اقتصادی و اشتغال خصوصی در مدل، در امتیاز پایین استان نقش قابل توجهی دارد. سیستان و بلوچستان نیز با امتیاز ۰,۳۶۷۱ در گروه تاب‌آوری پایین قرار گرفته است. نرخ مشارکت اقتصادی استان ۳۳,۵ درصد و نسبت اشتغال ۳۰,۱ درصد بوده و نرخ بیکاری ۱۵ ساله و بیشتر به ۱۰,۲

درصد رسیده است. بنابراین، در این استان نیز مجموعه‌ای از ضعف‌ها در مشارکت، اشتغال و بیکاری همزمان مشاهده می‌شود.

در استان‌های دارای تاب‌آوری متوسط، وضعیت بوشهر و خوزستان نیز از منظر ترکیب شاخص‌ها قابل توجه است. برای نمونه، خوزستان با نرخ بیکاری ۱۱ درصد، نرخ بیکاری جوانان ۲۱,۷ درصد و نسبت اشتغال ۳۵,۲ درصد، در چند مؤلفه مهم عملکرد ضعیف‌تری دارد. بوشهر اگرچه نرخ بیکاری عمومی ۶,۶ درصدی دارد، اما سهم اشتغال بخش خصوصی آن ۷۷,۳ درصد و شاخص تنوع ساختار اشتغال آن ۰,۵۲۴ است؛ بنابراین پایین بودن امتیاز نهایی آن صرفاً با نرخ بیکاری قابل توضیح نیست. یکی از یافته‌های مهم این گروه، اهمیت توجه همزمان به نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی است. پایین بودن نرخ بیکاری به تنهایی الزاماً به معنای وضعیت مطلوب بازار کار نیست؛ زیرا ممکن است کاهش بیکاری همراه با مشارکت پایین اقتصادی باشد. به همین دلیل، در چارچوب شاخص حاضر، وضعیت استان‌هایی که همزمان با بیکاری بالاتر، مشارکت و نسبت اشتغال پایین‌تری دارند، نامطلوب‌تر ارزیابی می‌شود.

در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که استان‌های دارای تاب‌آوری پایین و حتی متوسط، بیش از سایر استان‌ها نیازمند سیاست‌های فعال بازار کار، افزایش مشارکت اقتصادی، توسعه اشتغال بخش خصوصی، بهبود نسبت اشتغال، کاهش بیکاری جوانان و متنوع‌سازی ساختار اشتغال هستند. با توجه به تفاوت الگوی ضعف میان استان‌ها، نسخه واحد برای این گروه نیز مناسب نیست؛ بلکه سیاست‌ها باید بر اساس مهم‌ترین مؤلفه‌های تضعیف‌کننده امتیاز هر استان طراحی شوند. از این منظر، فاصله میان استان‌های با تاب‌آوری بالا و پایین را می‌توان نه صرفاً به عنوان شکاف در نرخ بیکاری، بلکه به عنوان شکاف در ظرفیت و ساختار بازار کار تفسیر کرد؛ موضوعی که ضرورت سیاست‌گذاری منطقه‌ای و تمرکز منابع و برنامه‌های اشتغال‌زایی بر نقاط ضعف متفاوت استان‌ها را برجسته می‌کند.

از منظر سیاست‌گذاری، یکی از یافته‌های مهم پژوهش آن است که ارتقای تاب‌آوری بازار کار نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل و نه صرفاً کاهش نرخ بیکاری است. با توجه به وزن بالای سهم اشتغال بخش خصوصی، سیاست‌های تقویت ظرفیت بنگاه‌های خصوصی برای حفظ و ایجاد اشتغال می‌تواند اهمیت بیشتری در چارچوب این شاخص داشته باشد. همچنین وزن بالای مشارکت اقتصادی و تنوع ساختار اشتغال، ضرورت توجه همزمان به فعال‌سازی نیروی کار و کاهش تمرکز ساختار اشتغال را نشان می‌دهد. در کنار این موارد، وضعیت بیکاری جوانان نیز به دلیل برخورداری از وزن ۰,۱۵۳، یکی از مؤلفه‌های مهم در ارزیابی تاب‌آوری بازار کار محسوب می‌شود.

در مجموع، نتایج پژوهش حاکی از آن است که تاب‌آوری بازار کار در استان‌های کشور ماهیتی چندبعدی دارد و نمی‌توان آن را به یک شاخص منفرد تقلیل داد. تفاوت امتیازات استان‌ها بیانگر آن است که سیاست‌های ارتقای تاب‌آوری باید متناسب با ساختار و نقاط ضعف هر استان طراحی شوند. همچنین شاخص حاضر بیانگر وضعیت نسبی

استان‌ها بر اساس مؤلفه‌ها و وزن‌های انتخاب‌شده در سال ۱۴۰۴ است و نباید به عنوان معیاری معادل سطح کلی توسعه‌یافتگی اقتصادی استان تفسیر شود.

۷. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادهای سیاستی

نتایج محاسبه شاخص ترکیبی تاب‌آوری بازار کار و اشتغال در سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که وضعیت بازار کار استان‌های کشور از منظر ظرفیت مواجهه با عدم‌تعادل‌ها و آسیب‌پذیری‌های بازار کار، از ناهمگونی قابل‌توجهی برخوردار است. دامنه امتیاز شاخص از ۰/۲۶۳ در استان ایلام تا ۰/۸۵۷ در استان زنجان متغیر است. این پراکندگی نشان می‌دهد که شرایط بازار کار در سطح منطقه‌ای یکسان نیست و سیاست‌های اشتغال و بازار کار نمی‌تواند صرفاً بر مبنای یک الگوی واحد برای تمامی استان‌ها طراحی شود. از منظر روش‌شناسی، یکی از یافته‌های مهم پژوهش آن است که تاب‌آوری بازار کار یک مفهوم چندبعدی است. وزن‌های حاصل از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد که «سهم اشتغال بخش خصوصی» با وزن ۰/۲۱۶ بالاترین اهمیت را در شاخص نهایی داشته است. پس از آن، «نرخ مشارکت اقتصادی» با وزن ۰/۱۷۰، «تنوع ساختار اشتغال» با وزن ۰/۱۶۵، «نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال» با وزن ۰/۱۵۳ و «نسبت اشتغال» با وزن ۰/۱۵۲ قرار گرفته‌اند.

به طور کلی پیشنهادات سیاستی حاصل از نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود؛

۱. اتخاذ سیاست‌های هماهنگ برای افزایش ظرفیت جذب نیروی کار، ارتقای کیفیت اشتغال و افزایش قابلیت انطباق ساختار اقتصادی

در چارچوب شاخص طراحی‌شده، تاب‌آوری بازار کار صرفاً تابعی از پایین بودن نرخ بیکاری نیست، بلکه ظرفیت اقتصاد منطقه برای ایجاد و حفظ اشتغال، جذب نیروی کار، مشارکت اقتصادی و برخورداری از ساختار اشتغال متنوع نیز در آن نقش اساسی دارد. این یافته با رویکردهای جدید به مفهوم تاب‌آوری اقتصادی منطقه‌ای سازگار است. در این رویکرد، منطقه تاب‌آور الزاماً منطقه‌ای نیست که در برابر یک شوک هیچ‌گونه افتی را تجربه نکند؛ بلکه منطقه‌ای است که بتواند در برابر شوک مقاومت کند، آثار آن را جذب نماید، مسیر بازگشت یا سازگاری را طی کند و در صورت لزوم ساختار اقتصادی و اشتغال خود را با شرایط جدید تطبیق دهد.

از این منظر، نتایج پژوهش را می‌توان در سه سطح تفسیر کرد. سطح نخست، ظرفیت جذب نیروی کار است که در شاخص‌هایی مانند نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال منعکس می‌شود. سطح دوم، کیفیت و پایداری اشتغال است که نرخ بیکاری جوانان، اشتغال ناقص و سهم اشتغال بخش خصوصی را دربرمی‌گیرد. سطح سوم، ظرفیت سازگاری ساختاری است که از طریق تنوع ساختار اشتغال مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، سیاست افزایش تاب‌آوری بازار کار باید از رویکرد تک‌بعدی کاهش نرخ بیکاری فاصله گرفته و مجموعه‌ای از سیاست‌های

هماهنگ برای افزایش ظرفیت جذب نیروی کار، ارتقای کیفیت اشتغال و افزایش قابلیت انطباق ساختار اقتصادی استان‌ها را دنبال کند. نکته اساسی آن است که این سه محور باید با توجه به وضعیت هر استان ترکیب متفاوتی داشته باشند.

۲. حرکت از سیاست‌های یکسان نگر به سیاست‌گذاری مبتنی بر ویژگی‌های هر استان

یکی دیگر از مهم‌ترین دلالت‌های سیاستی پژوهش، ضرورت استان‌محور شدن سیاست‌های بازار کار است. نتایج نشان می‌دهد که استان‌های دارای امتیاز پایین لزوماً از یک نوع مشکل رنج نمی‌برند و حتی در میان استان‌های دارای امتیاز بالا نیز نقاط ضعف مشخصی وجود دارد. برای نمونه، در برخی استان‌ها مسئله اصلی ضعف مشارکت و نسبت اشتغال است؛ در حالی که در برخی دیگر، بیکاری جوانان یا اشتغال ناقص سهم بیشتری در ضعف عملکرد بازار کار دارد. در گروه دیگری از استان‌ها نیز تمرکز ساختار اشتغال و پایین بودن تنوع اقتصادی می‌تواند ظرفیت سازگاری بازار کار را محدود کند. بنابراین، تخصیص منابع و طراحی برنامه‌های اشتغال باید بر اساس پروفایل آسیب‌پذیری هر استان انجام شود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود برای هر استان، یک «پروفایل تاب‌آوری بازار کار» شامل شاخص‌های اصلی، نقاط ضعف، ظرفیت‌های موجود و اولویت‌های مداخله تهیه و مبنای برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد.

۳. تقویت بخش خصوصی به عنوان پایه ظرفیت اشتغالزایی

بالاترین وزن AHP در پژوهش مربوط به سهم اشتغال بخش خصوصی است. این یافته از منظر سیاستی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا نشان می‌دهد ظرفیت بنگاه‌های اقتصادی برای ایجاد و حفظ اشتغال باید یکی از محورهای اصلی سیاست تاب‌آوری بازار کار باشد.

در این راستا، سیاست‌های اشتغال نباید صرفاً بر ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم متمرکز باشد، بلکه باید بر تقویت ظرفیت اشتغال‌زایی بنگاه‌ها نیز استوار شود. تسهیل تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، کاهش موانع توسعه کسب‌وکار، بهبود دسترسی بنگاه‌ها به نیروی کار ماهر، حمایت از توسعه زنجیره‌های تولید و تقویت پیوند میان بنگاه‌های بزرگ و کوچک از جمله ابزارهای قابل استفاده در این زمینه است. از منظر تاب‌آوری، اهمیت این سیاست در آن است که بنگاه‌های متنوع و توانمند می‌توانند ظرفیت جذب و بازتخصیص نیروی کار را در مواجهه با تغییرات تقاضا و شوک‌های اقتصادی افزایش دهند. رویکردهای سیاستی سازمان بین‌المللی کار نیز بر توسعه بنگاه‌های پایدار، به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط، دسترسی به منابع مالی و تقویت سیاست‌های اشتغال به‌عنوان بخشی از راهبردهای تاب‌آوری تأکید دارند.

۴. تمرکز بر اشتغال جوانان به‌عنوان مؤلفه پیشگیرانه تاب‌آوری

یکی دیگر از یافته‌های قابل توجه پژوهش، تفاوت معنادار میان استان‌ها از نظر بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال است. این شاخص در برخی استان‌ها به سطوح بالایی رسیده است؛ از جمله ایلام با ۲۴/۸ درصد، کرمانشاه با

۲۳/۲ درصد، خوزستان با ۲۱/۷ درصد و کرمان با ۲۱/۳ درصد. از دیدگاه سیاستی، استمرار بیکاری جوانان تنها یک عدم‌تعادل جاری در بازار کار نیست؛ بلکه می‌تواند از طریق کاهش انباشت تجربه شغلی و تضعیف اتصال جوانان به بازار کار، پیامدهای بلندمدت‌تری ایجاد کند.

بنابراین، سیاست اشتغال جوانان باید از برنامه‌های عمومی و غیرهدفمند فاصله گرفته و به سمت اتصال آموزش، مهارت و تقاضای واقعی بنگاه‌ها حرکت کند. پیشنهاد می‌شود در استان‌هایی که بیکاری جوانان سهم بالاتری دارد، برنامه‌های مهارت‌آموزی بر اساس نیازسنجی بنگاه‌ها، کارآموزی همراه با اشتغال، مشوق‌های هدفمند برای جذب نیروی جوان و توسعه کسب‌وکارهای جدید در بخش‌های دارای ظرفیت به طور جدی دنبال شود.

۵. ارتقای کیفیت اشتغال و کاهش اشتغال ناقص

یکی از ابعاد مهم تاب‌آوری بازار کار، صرفاً تعداد شاغلان نیست؛ بلکه کیفیت و پایداری اشتغال نیز اهمیت دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در برخی استان‌ها، علی‌رغم وجود ظرفیت مشارکت و اشتغال، سهم اشتغال ناقص بالاست. برای نمونه، سهم اشتغال ناقص در خراسان شمالی ۱۹/۳ درصد، در کرمانشاه ۱۵/۱ درصد، در گلستان ۱۵ درصد، در کردستان ۱۴/۳ درصد و در لرستان ۱۴/۲ درصد است. بنابراین، سیاست بازار کار باید از «ایجاد شغل به هر قیمت» به سمت ایجاد اشتغال پایدار، مولد و با ساعات کاری و درآمد مناسب‌تر حرکت کند. در این زمینه، سیاست‌های افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها، تکمیل زنجیره ارزش، توسعه فعالیت‌های مکمل و حمایت از بنگاه‌هایی که اشتغال پایدار ایجاد می‌کنند، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۶. افزایش تنوع ساختار اشتغال و کاهش آسیب‌پذیری ساختاری

یکی از مؤلفه‌های شاخص پژوهش، تنوع ساختار اشتغال است که وزن ۰/۱۶۵ را به خود اختصاص داده است. این موضوع نشان می‌دهد که ساختار اشتغال و میزان تمرکز فعالیت‌های اقتصادی از منظر تاب‌آوری مورد توجه قرار گرفته است. در اقتصاد منطقه‌ای، وابستگی شدید اشتغال به تعداد محدودی از فعالیت‌ها می‌تواند حساسیت منطقه را نسبت به شوک‌های بخشی افزایش دهد. بنابراین، سیاست تنوع‌بخشی نباید به معنای توسعه هم‌زمان همه بخش‌ها باشد؛ بلکه باید بر تنوع‌بخشی هوشمندانه و مبتنی بر مزیت‌های نسبی هر استان استوار شود. برای استان‌هایی که تمرکز ساختار اشتغال بالاتری دارند، توسعه فعالیت‌های جدید در حوزه خدمات تخصصی، صنایع مکمل، زنجیره‌های ارزش و فعالیت‌های دانش‌بنیان می‌تواند به افزایش قابلیت سازگاری بازار کار کمک کند. البته نوع و دامنه این سیاست باید متناسب با ساختار اقتصادی هر استان تعیین شود و از نسخه واحد برای تمامی مناطق پرهیز شود.

۷. افزایش ظرفیت سیاست‌گذاری فعال بازار کار

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برخی استان‌ها با ترکیبی از ضعف مشارکت، بیکاری جوانان و پایین بودن نسبت اشتغال مواجه‌اند. در چنین شرایطی، سیاست‌های منفعل به تنهایی کافی نیستند و ضرورت استفاده از سیاست‌های

فعال بازار کار افزایش می‌یابد. سیاست‌های فعال شامل آموزش و بازآموزی مهارتی، خدمات کاریابی و تطبیق شغلی، کارآموزی، حمایت هدفمند از استخدام گروه‌های دارای مشکل ورود به بازار کار و برنامه‌های ایجاد اشتغال در مناطق دارای ضعف ساختاری است. سازمان بین‌المللی کار نیز بر اهمیت تحلیل تشخیصی بازار کار و شناسایی محدودیت‌های خاص هر کشور و منطقه پیش از طراحی سیاست‌های اشتغال تأکید کرده است.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های اشتغال استانی پیش از اجرا از یک مرحله تشخیص مسئله مبتنی بر داده عبور کنند؛ به این معنا که ابتدا مشخص شود محدودیت اصلی استان، کمبود تقاضای نیروی کار، عدم تطابق مهارت، پایین بودن مشارکت، کیفیت پایین مشاغل یا تمرکز ساختاری است و سپس ابزار سیاستی متناسب انتخاب شود.

۸. استقرار نظام پایش تاب‌آوری بازار کار در سطح استان‌ها

با توجه به اینکه شاخص حاضر بر مبنای داده‌های سال ۱۴۰۴ محاسبه شده است، امتیازهای حاصل باید به‌عنوان تصویری مقطعی از وضعیت استان‌ها تفسیر شوند و نه اندازه‌ای ثابت و دائمی از تاب‌آوری.

از این رو پیشنهاد می‌شود شاخص تاب‌آوری بازار کار به‌صورت سالانه محاسبه و علاوه بر سطح شاخص، روند تغییرات هر استان نیز پایش شود. این امر امکان شناسایی استان‌هایی را فراهم می‌کند که اگرچه در یک سال امتیاز مناسبی دارند، اما در مسیر نزولی قرار گرفته‌اند، یا استان‌هایی که از سطح پایین شروع کرده و در حال بهبود هستند. به این ترتیب، شاخص می‌تواند از یک ابزار صرفاً رتبه‌بندی به یک ابزار پایش و سیاست‌گذاری منطقه‌ای تبدیل شود.

پیوست ۱. آمار و داده‌های پژوهش

جدول (۱۱). آمار و داده‌های پژوهش (مقطع زمانی: سال ۱۴۰۴)

شاخص	نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (درصد)	نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (درصد)	سهم اشتغال ناقص (درصد)	نرخ مشارکت اقتصادی (درصد)	نسبت اشتغال (درصد)	سهم اشتغال بخش خصوصی (درصد)	سهم اشتغال کشاورزی (درصد)	سهم اشتغال صنعت (درصد)	سهم اشتغال خدمات (درصد)	شاخص هرفیندال-هیریشمن (تمرکز ساختار اشتغال در مقیاس ۰ تا ۱۰۰۰۰)	تنوع ساختار اشتغال $x = ۱۰۰ * (۱ - \frac{HHI}{۱۰۰۰۰})$
کل کشور	۷.۵	۱۵.۰	۷.۶	۴۰.۶	۳۷.۵	۸۶.۲	۱۳.۹	۳۲.۸	۵۳.۲	۴۱۰۳.۶	۵۹
آذربایجان شرقی	۶.۹	۱۵.۶	۴.۲	۴۱.۷	۳۸.۸	۸۷.۵	۱۶.۷	۳۷.۴	۴۶.۰	۳۷۸۵.۵	۶۲.۱
آذربایجان غربی	۵.۵	۱۰.۵	۱۰.۲	۴۱.۰	۳۸.۸	۸۸.۵	۲۴.۱	۲۴.۲	۵۱.۷	۳۸۳۶.۶	۶۱.۶
اردبیل	۹.۱	۱۶.۹	۱۲.۳	۴۷.۶	۴۳.۲	۸۶.۰	۲۵.۰	۲۷.۴	۴۷.۶	۳۶۴۱.۵	۶۳.۶
اصفهان	۹.۵	۱۶.۲	۱۰.۶	۴۰.۲	۳۶.۴	۸۹.۱	۸.۰	۴۲.۵	۴۹.۵	۴۳۱۳.۰	۵۶.۹
البرز	۸.۵	۱۳.۱	۵.۶	۳۹.۰	۳۵.۷	۸۵.۶	۲.۵	۴۲.۸	۵۴.۷	۴۸۳۲.۹	۵۱.۷
ایلام	۹.۵	۲۴.۸	۱۲.۴	۳۲.۳	۲۹.۲	۷۷.۹	۱۵.۹	۳۲.۵	۵۱.۷	۳۹۷۳.۵	۶۰.۳
بوشهر	۶.۶	۱۴.۲	۱.۶	۳۹.۰	۳۶.۴	۷۷.۳	۱۱.۹	۲۴.۸	۶۳.۳	۴۷۵۷.۸	۵۲.۴
تهران	۶.۴	۱۲.۲	۲.۵	۴۰.۹	۳۸.۳	۸۵.۸	۱.۴	۳۴.۳	۶۴.۴	۵۳۱۷.۷	۴۶.۸
چهارمحال و بختیاری	۷.۸	۱۵.۶	۱۳.۵	۴۱.۹	۳۸.۷	۸۴.۱	۱۲.۷	۴۱.۲	۴۶.۲	۳۹۸۵.۲	۶۰.۱
خراسان جنوبی	۵.۰	۱۰.۶	۳.۲	۴۰.۲	۳۸.۲	۷۶.۹	۱۷.۵	۳۲.۱	۵۰.۴	۳۸۷۵.۰	۶۱.۲
خراسان رضوی	۶.۵	۱۱.۴	۱۰.۷	۴۲.۴	۳۹.۷	۸۸.۵	۱۴.۴	۳۵.۱	۵۰.۵	۳۹۹۲.۵	۶۰.۱
خراسان شمالی	۷.۹	۱۷.۳	۱۹.۳	۴۴.۱	۴۰.۷	۸۲.۰	۲۶.۹	۳۰.۷	۴۲.۵	۳۴۶۷.۲	۶۵.۳
خوزستان	۱۱.۰	۲۱.۷	۱۰.۷	۳۹.۶	۳۵.۲	۸۶.۳	۱۴.۱	۳۰.۵	۵۵.۴	۴۱۹۳.۴	۵۸.۱
زنجان	۷.۵	۱۵.۳	۶.۰	۵۰.۰	۴۶.۳	۸۶.۷	۲۶.۰	۳۲.۱	۴۱.۹	۳۴۶۲.۳	۶۵.۴
سمنان	۶.۶	۱۴.۸	۵.۱	۳۷.۶	۳۵.۲	۷۹.۳	۱۲.۹	۳۸.۸	۴۸.۳	۳۹۹۷.۳	۶۰
سیستان و بلوچستان	۱۰.۲	۱۷.۸	۷.۰	۳۳.۵	۳۰.۱	۷۹.۲	۱۲.۹	۳۵.۲	۵۱.۹	۴۰۹۶.۵	۵۹
فارس	۶.۹	۱۵.۳	۷.۹	۳۷.۶	۳۵.۰	۸۷.۵	۱۶.۵	۲۸.۰	۵۵.۶	۴۱۳۹.۸	۵۸.۶
قزوین	۶.۴	۱۲.۱	۱۰.۵	۴۳.۸	۴۰.۹	۹۰.۷	۱۴.۹	۴۱.۰	۴۴.۰	۳۸۳۹.۹	۶۱.۶

شاخص	نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا (درصد)	نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال (درصد)	سهم اشتغال ناقص (درصد)	نرخ مشارکت اقتصادی (درصد)	نسبت اشتغال (درصد)	سهم اشتغال بخش خصوصی (درصد)	سهم اشتغال کشاورزی (درصد)	سهم اشتغال صنعت (درصد)	سهم اشتغال خدمات (درصد)	شاخص هرفیندال- هیریشمن (تمرکز ساختار اشتغال در مقیاس ۰ تا ۱۰۰۰۰)	تنوع ساختار اشتغال $x = ۱۰۰ * (۱ - \frac{HHI}{۱۰۰۰۰})$
قم	۶.۹	۱۱.۵	۹.۳	۳۸.۱	۳۵.۵	۸۴.۳	۳.۲	۳۹.۳	۵۵.۵	۴۶۳۹.۴	۵۳.۶
کردستان	۸.۷	۱۸.۰	۱۴.۳	۴۱.۶	۳۷.۹	۸۹.۶	۱۹.۴	۲۷.۳	۵۳.۴	۳۹۶۷.۸	۶۰.۳
کرمان	۷.۶	۲۱.۳	۳.۷	۳۹.۴	۳۶.۴	۸۶.۹	۳۶.۲	۲۱.۵	۴۲.۳	۳۵۵۹.۶	۶۴.۴
کرمانشاه	۱۱.۷	۲۳.۲	۱۵.۱	۴۱.۵	۳۶.۶	۸۶.۴	۲۵.۲	۲۴.۳	۵۰.۵	۳۷۷۵.۷	۶۲.۲
کهگیلویه و بویراحمد	۶.۳	۱۷.۲	۹.۰	۳۰.۹	۲۸.۹	۷۰.۸	۱۰.۹	۳۶.۲	۵۳.۰	۴۲۲۹.۹	۵۷.۷
گلستان	۹.۹	۲۰.۶	۱۵.۰	۴۰.۳	۳۶.۳	۸۵.۰	۲۰.۹	۲۸.۰	۵۱.۱	۳۸۳۲.۱	۶۱.۷
گیلان	۷.۴	۱۶.۰	۱۱.۷	۴۲.۵	۳۹.۴	۸۹.۱	۱۸.۷	۲۷.۴	۵۳.۹	۳۹۹۹.۸	۶۰
لرستان	۸.۷	۱۸.۴	۱۴.۲	۴۰.۷	۳۷.۲	۸۱.۱	۲۱.۶	۲۴.۰	۵۴.۴	۴۰۰۳.۰	۶۰
مازندران	۵.۶	۱۳.۷	۳.۶	۴۴.۲	۴۱.۷	۸۸.۳	۱۶.۰	۳۰.۰	۵۴.۱	۴۰۷۶.۳	۵۹.۲
مرکزی	۵.۷	۱۱.۲	۷.۸	۳۷.۵	۳۵.۳	۸۶.۱	۱۴.۸	۴۴.۸	۴۰.۴	۳۸۵۶.۲	۶۱.۴
هرمزگان	۷.۰	۱۵.۱	۲.۵	۳۹.۴	۳۶.۶	۸۰.۷	۱۸.۸	۲۸.۸	۵۲.۴	۳۹۳۰.۳	۶۰.۷
همدان	۷.۵	۱۲.۳	۸.۰	۴۱.۱	۳۸.۰	۸۸.۷	۲۱.۲	۲۹.۳	۴۹.۶	۳۷۶۴.۱	۶۲.۴
یزد	۵.۷	۱۱.۱	۱.۸	۴۳.۵	۴۱.۰	۸۵.۲	۷.۱	۴۴.۰	۴۸.۹	۴۳۷۵.۳	۵۶.۲
max	۱۱.۷	۲۴.۸	۱۹.۳	۵۰.۰	۴۶.۳	۹۰.۷	۳۶.۲	۴۴.۸	۶۴.۴	۵۳۱۷.۷	۶۵.۴
min	۵.۰	۱۰.۵	۱.۶	۳۰.۹	۲۸.۹	۷۰.۸	۱.۴	۲۱.۵	۴۰.۴	۳۴۶۲.۳	۴۶.۸
max-min	۶.۷	۱۴.۳	۱۷.۷	۱۹.۱	۱۷.۳	۱۹.۹	۳۴.۸	۲۳.۳	۲۴.۰	۱۸۵۵.۳	۱۸.۶

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات پژوهش

جدول (۱۲). امتیازات نرمال شده استان‌ها در مؤلفه‌های تاب‌آوری بازار کار و اشتغال در مقطع زمانی سال ۱۴۰۴

(طیف امتیازات ۱-۰)

شاخص	مکمل نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا	مکمل نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال	مکمل سهم اشتغال ناقص	نرخ مشارکت اقتصادی	نسبت اشتغال	سهم اشتغال بخش خصوصی	تنوع ساختار اشتغال
آذربایجان شرقی	۰.۷۱	۰.۶۴	۰.۸۶	۰.۵۷	۰.۵۷	۰.۸۴	۰.۸۳
آذربایجان غربی	۰.۹۳	۱.۰۰	۰.۵۱	۰.۵۳	۰.۵۷	۰.۸۹	۰.۸۰
اردبیل	۰.۳۸	۰.۵۵	۰.۴۰	۰.۸۷	۰.۸۳	۰.۷۶	۰.۹۰
اصفهان	۰.۳۳	۰.۶۰	۰.۴۹	۰.۴۹	۰.۴۳	۰.۹۲	۰.۵۴
البرز	۰.۴۷	۰.۸۲	۰.۷۸	۰.۴۳	۰.۳۹	۰.۷۴	۰.۲۶
ایلام	۰.۳۳	۰.۰۰	۰.۳۹	۰.۰۷	۰.۰۲	۰.۳۶	۰.۷۲
بوشهر	۰.۷۶	۰.۷۴	۱.۰۰	۰.۴۳	۰.۴۳	۰.۳۳	۰.۳۰
تهران	۰.۷۹	۰.۸۸	۰.۹۵	۰.۵۲	۰.۵۴	۰.۷۶	۰.۰۰
چهارمحال و بختیاری	۰.۵۸	۰.۶۴	۰.۳۳	۰.۵۸	۰.۵۶	۰.۶۷	۰.۷۲
خراسان جنوبی	۱.۰۰	۰.۹۹	۰.۹۱	۰.۴۹	۰.۵۴	۰.۳۱	۰.۷۸
خراسان رضوی	۰.۷۸	۰.۹۴	۰.۴۹	۰.۶۰	۰.۶۲	۰.۸۹	۰.۷۱
خراسان شمالی	۰.۵۷	۰.۵۲	۰.۰۰	۰.۶۹	۰.۶۸	۰.۵۶	۱.۰۰
خوزستان	۰.۱۱	۰.۲۱	۰.۴۹	۰.۴۵	۰.۳۶	۰.۷۸	۰.۶۱
زنجان	۰.۶۲	۰.۶۶	۰.۷۵	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۸۰	۱.۰۰
سمنان	۰.۷۷	۰.۷۰	۰.۸۱	۰.۳۵	۰.۳۶	۰.۴۳	۰.۷۱
سیستان و بلوچستان	۰.۲۳	۰.۴۹	۰.۶۹	۰.۱۴	۰.۰۷	۰.۴۲	۰.۶۶
فارس	۰.۷۲	۰.۶۶	۰.۶۵	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۸۴	۰.۶۳
قزوین	۰.۷۹	۰.۸۹	۰.۵۰	۰.۶۸	۰.۶۹	۱.۰۰	۰.۸۰
قم	۰.۷۲	۰.۹۳	۰.۵۷	۰.۳۸	۰.۳۸	۰.۶۸	۰.۳۷
کردستان	۰.۴۵	۰.۴۷	۰.۲۸	۰.۵۶	۰.۵۲	۰.۹۴	۰.۷۳
کرمان	۰.۶۱	۰.۲۴	۰.۸۸	۰.۴۴	۰.۴۳	۰.۸۱	۰.۹۵
کرمانشاه	۰.۰۰	۰.۱۱	۰.۲۴	۰.۵۶	۰.۴۴	۰.۷۸	۰.۸۳
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۸۰	۰.۵۳	۰.۵۹	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۵۹
گلستان	۰.۲۷	۰.۲۹	۰.۲۴	۰.۴۹	۰.۴۲	۰.۷۱	۰.۸۰

شاخص	مکمل نرخ بیکاری ۱۵ سال به بالا	مکمل نرخ بیکاری ۱۸ تا ۳۵ سال	مکمل سهم اشتغال ناقص	نرخ مشارکت اقتصادی	نسبت اشتغال	سهم اشتغال بخش خصوصی	تنوع ساختار اشتغال
گیلان	۰.۶۵	۰.۶۱	۰.۴۳	۰.۶۱	۰.۶۰	۰.۹۲	۰.۷۱
لرستان	۰.۴۴	۰.۴۵	۰.۲۹	۰.۵۲	۰.۴۷	۰.۵۲	۰.۷۱
مازندران	۰.۹۰	۰.۷۸	۰.۸۹	۰.۷۰	۰.۷۴	۰.۸۸	۰.۶۷
مرکزی	۰.۸۹	۰.۹۵	۰.۶۵	۰.۳۵	۰.۳۷	۰.۷۷	۰.۷۹
هرمزگان	۰.۷۰	۰.۶۸	۰.۹۵	۰.۴۵	۰.۴۴	۰.۴۹	۰.۷۵
همدان	۰.۶۲	۰.۸۷	۰.۶۴	۰.۵۳	۰.۵۲	۰.۹۰	۰.۸۴
یزد	۰.۸۹	۰.۹۶	۰.۹۹	۰.۶۶	۰.۷۰	۰.۷۲	۰.۵۱

مأخذ: محاسبات پژوهش

منابع و مأخذ:

۱. ابونوری، اسمعیل؛ لاجوردی، حسن (۱۳۹۵). **"برآورد شاخص ترکیبی تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک"**، فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، سال دوم، شماره ۵.

۲. بقالیان، محبوبه (۱۳۹۳). **تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر سطح اشتغال در ایران**، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی(ره).

۳. دهقان شبانی، زهرا؛ شهنازی، روح الله (۱۴۰۴). «**تأثیر فضای کسب وکار بر تاب‌آوری اقتصادی بخش صنعت در استان‌های ایران (۱٤۰٤)**»، پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، دوره ۹، شماره ۳۲.

۴. دهقان‌منشادی، محمد؛ پوررحیم، پروین (۱۳۹۲). «**رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران**»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی سال بیست و یکم، شماره ۶۷، پاییز۱۳۹۲، صفحات ۱۹۲-۱۷۱.

۵. رحمت‌نیا، علیرضا؛ افلاکی، آرا (۱۳۸۹). **شاخص‌های ارزیابی توسعه بخشی و فرابخشی**، تهران، انتشارات معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، دفتر الگوی اسلامی-ایرانی توسعه، مدیریت شاخص سازی آمار و اطلاعات.

۶. روحانی، سید علی و همکاران (۱۳۹۳). «**شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ویرایش اول)**». تهران دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۷. شقاقی‌شهری، وحید (۱۳۹۶). **"ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری اقتصادی ایران با رقبای منطقه‌ای"**، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۸۳، سال بیست و پنجم، صفحات ۲۱۸-۱۸۳.

۸. طباطبایی‌یزدی، رویا؛ شهبازی، میثم (۱۳۹۲). «**مهمترین شاخص‌های اقتصادی کشور از ابتدای برنامه اول تا دو سال اول برنامه پنجم**»، گزارش راهبردی، شماره ۱۶۲.

۹. غیاثوند، ابوالفضل؛ عبدالشاه، فاطمه (۱۳۹۴ الف). «**شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی**»، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۷۱، صفحات ۱۰۶-۷۹.

۱۰. غیاثوند، ابوالفضل؛ عبدالشاه، فاطمه (۱۳۹۴ ب). «**مفهوم و ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی ایران**»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۴.

۱۱. مسعودی، حمید؛ قربانی، علیرضا (۱۴۰۴). «**رتبه‌بندی وخوشه‌بندی استان‌های ایران بر پایه شاخص‌های اشتغال و کارآفرینی: تحلیل نابرابری اقتصادی**»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۹۸، صفحات ۳۷ تا ۶۶.

۱۲. نصرنیا؛ فاطمه؛ اشک تراب، نیلوفر و آذر شیخ زین الدین (۱۴۰۰). «**تعیین الگوی تاب آوری استانهای ایران (۱٤۰۰)**»، نشریه جغرافیا و مخاطرات محیطی، شماره ۳۸، صفحات ۲۰۵ تا ۲۲۲.

۱۳. Boorman, Jack, et al. (2013). ***"The Centennial Resilience Index: Measuring Countries' Resilience To Shock"***, Global Journal Of Emerging Market Economics.
۱۴. Briguglio, Lino and Piccinino, Stephan (2011). ***"Growth and Resilience in east Asia and the Impact of the 2009 Global Recession"***, Economics Department, University of Malta, Msida; MSD 2080, Malta.
۱۵. Briguglio, Lino, Gordon, cordina, Nadia. Farrugia and Stephanie, Vella (2006); **"*Conceptualising and Measuring Economic Resilience*",** Economics Department, University of Malta.
۱۶. Hartal,S., Kourit, K., & Pascariu,G.C (2023). ***Spatial Labour Markets and Resilience of Cities and Regions***: a critical review. Regional studies, 57(12).
۱۷. Stephane H. (2014). ***"Economic Resilience: Definition and Measurement"***, Policy Research Working Paper; No . 6852. World Bank, Washington, DC.
۱۸. Tsvetkova, A. (2024). ***Forty Years of Productivity and Labour Market Resilience in European Regions.*** OECD Regional Development papers.
۱۹. **درگاه الکترونیکی مرکز آمار** http://www.amar.org.ir/